

گاهنامه

معلم اقتصاد

شماره ۹ بهار ۱۳۹۱ هرمزگان
وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
معاونت آموزش متوسط
گروه تکنولوژی و گروههای آموزشی متوسط و راهنمایی
دبیرخانه راهبری درس اقتصاد

مدیر مسئول: حمیده رحمانیان
سردبیر: حکیمه بیلری- اشرف ذاکری
شورای برنامه ریزی: رضا محمدی- سیما جهانشاهی
طراح جلد و صفحه آرایی: غزاله فاضل

نشانی: بندرعباس - گلشهر جنوبی- میدان ۹ دی- خیابان
سوم خرداد- پژوهشکده تعلیم و تربیت- دبیرخانه راهبری
درس اقتصاد

آدرس سایت: egtesad.medu.ir



با تشکر و قدردانی از همکاری بی دریغ
جناب آقای آخوندی مدیر کل محترم آموزش و پرورش استان
هرمزگان
جناب آقای اصغر رنجبر معاونت محترم آموزش متوسطه
جناب آقای رضا محمدی رئیس گروه تکنولوژی و گروههای
آموزش متوسطه و راهنمایی
که ما را در پیشبرد اهدافمان صمیمانه یاری نمودند.

فهرست

- سخن سردبیر ۳
- بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱ ۴
- تأثیر حمایت از تولید داخلی در ثبات قیمت ه ۱۰
- تأثیر تحریم های اقتصادی بر خودکفایی در تولید فرآورده های نفتی ۱۹
- بررسی عوامل موثر بر بروز نوسانات نرخ ارز در ایران ۲۷
- تأثیر اقتصاد اسلامی در عدم وابستگی و رشد و توسعه اقتصادی ۳۶
- تأثیر عملکرد موسسات مالی و بین المللی بر اقتصاد
- کشورهای در حال توسعه ۵۴
- ثروتمندتر از بیل گیتس ۶۱



سخن نخست

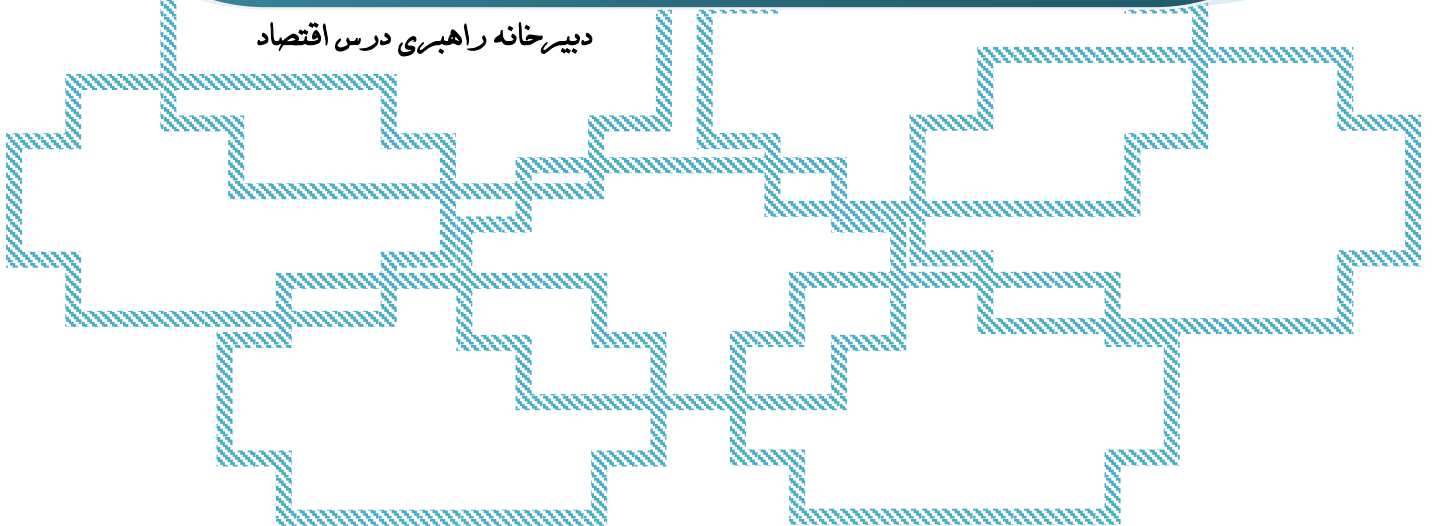
خودت گفتمی که وعده در بهار است
بهار آمد دلم در انتظار است

بهار هر کسی عید است و نوروز
بهار عاشقان دیدار است

با دیدن بهار، رحمت و محبت خداوند را به یاد می آوریم و لکجه چشمه مهر ایزد همواره به سوی آدمیان وهمه موجودات سر از بهار است و ما اگر او و نشانه هایش را فراموش کنیم او هرگز ما را فراموش نمی کند و با دگرگونی فصلها نیز به جلوه گری قدرت بی پایانش می پردازد تا شاید دلی به یاد او افتد و به شوق او بتپد و بر اثر تماشای جلوه هایش اشک شوق از چشمی جاری شود

ششمین سال فعالیت دبیرخانه راهبری درس اقتصاد مستقر در استان هرمزگان را با انتشار نهمین شماره گاهنامه معلم اقتصاد تقدیم حضورتان می نمائیم، با این در پایان مراتب تشکر و قدر دانی خود را از کلیه همکارانی که با ارسال مقالات علمی پژوهشی خود زمینه پربارتر شدن این گاهنامه را فراهم ساختند اعلام می داریم امید که مورد توجه و استفاد همکاران محترم قرار گیرد

دبیرخانه راهبری درس اقتصاد





گزیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على ءاله الأطيبين الأظهرين المنتجبين سيما بقیة الله فی الارضین.

عید نوروز و حلول سال جدید را تبریک عرض میکنم و امیدوارم این سالی که در آن وارد شدیم، برای همه‌ی ملت ایران سال شادی، گشایش، دلخوشی، نشاط و فعالیت و توفیق در راه کسب معارف حقه و تقوای الهی بوده باشد.

ملت ایران را دنبال کرده باشد، این را درمی یابد که تلاشهای عملی، تلاشهای اقتصادی، تلاشهای سیاسی، تهدیدهای امنیتی و نظامی، همه برای این است که این موجود فعال، زنده، پرنشاط و پرهمت توانا، یعنی ملت ایران را که در وسط میدان با شجاعت تمام ایستاده است و در حال حرکت به جلو است، از پیشروی باز بدارند، او را ناامید کنند، او را از حضور در این عرصه بترسانند. در حقیقت در مقابل شعار «ما میتوانیم» که امام بزرگوار این شعار را به ما تعلیم داد، انقلاب به م ا جرأت داد که بگوئیم «میتوانیم»، می خواهند به ملت ایران بقبولانند که شما نمی توانید؛ با همه‌ی توان در پی این هستند که

در این دیدار، چند مطلب را با شما برادران و خواهران در میان می گذارم. مطلب اول، نگاه ما و کشور ما و در رابطه‌ی با ما در جهان و در منطقه گذشت. علت اینکه به مسائل سال ۹۰ و عمدتاً به موفقیت‌های ملت ایران در این سال می پردازم، رجزخوانی‌های دشمنان و بدخواهان ما در مقابل ملت عزیز ماست. سران استکبار، تکیه دهندگان بر مسندهای زر و زور و همچنین خرده‌ریزهای اینها در منطقه‌ی خود ما، با همه‌ی توان - توان مالی شان، توان تبلیغاتی شان، توان سیاسی شان - سعی می کنند ملت ایران را مرعوب کنند، ملت ایران را مأیوس کنند. هر کسی تبلیغات سیاسی بدخواهان

سال ۲۰۱۱ میلادی، گزارش مراکز علمی معتبر این است که در سال ۲۰۱۱ - که سه ماه پیش این سال تمام شد - ملت ایران نسبت به سال قبل، یعنی سال ۲۰۱۰ میلادی، رشد علمی و پیشرفت علمی اش بیست درصد افزایش داشته است. معنای اینها چیست؟ در شرايطی که دشمنان ملت ایران بر روی سقوط ملت ایران شرط بندی می کردند و می گفتند ما تحریمهای فلج کننده را برای ملت ایران در نظر گرفتیم، ملت ایران اینجوری عمل کرده است.

با وجود این همه مشکلات، این همه مانع تراشی ها، جوانان ما گفتند خودمان درست می کنیم. در سال ۹۰ اورانیوم غنی شده بیست درصد را اینها برای سایت هسته ای تهران تولید کردند و آن را به دنیا اعلام کردند؛ دشمنان ما ماندند متحیر! با اینکه میدانند مرکز هسته ای تهران مخصوص رادیوداروهاست - یعنی برای نیاز بیمارستانها و آزمایشگاههای ما در سرتاسر کشور است و هزاران بیمار به این رادیوداروها احتیاج دارند - در عین حال نمی دادند، نمی فروختند، شرط می گذاشتند، باجگیری می کردند. جوانان ما خودشان آن را تهیه کردند. کار پیچیده ای هم بود، کار سختی هم بود، اما از عهده برآمدند و انواع و اقسام رادیوداروها الان در همین مرکز تهران با سوخت داخلی تولید میشود. این مال سال ۹۰ است.

در سال ۹۰ دستاوردهای بزرگ دیگری هم بوده است؛ از جمله دیپلماسی فعال سال ۹۰ در مسائل منطقه. برگزاری اجلاس بیداری اسلامی، اجلاس فلسطین، اجلاس خلع سلاح، اجلاس جهان بدون تروریسم، اجلاس جوانان بیداری اسلامی، فعالیت‌هایی بود که در تهران انجام گرفت؛ نظام

این هدف را دنبال کنند. سال ۹۰ اوج فعالیت‌های آنها بود. و من می‌خواهم بر روی این نکته تکیه کنم که علی‌رغم آنها، به کوری چشم آنها، ملت ایران در سال ۹۰ با حرکات خود، با پیشرفت خود، با تصمیم‌گیری‌های خود، به همه ی دنیا، از جمله به دشمنان، باز هم به طور مکرر فهماند که «ما میتوانیم».

سال ۹۰ را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کردیم؛ لذا من از مسائل اقتصادی آغاز می‌کنم. تحرک اقتصادی مسئولین کشور با همراهی م‌ثال زدنی و تحسین برانگیز مردم در طول سال ۹۰ قابل ذکر است. از جمله‌ی آنچه که میتوان در این زمینه مطرح کرد، همین مسئله‌ی هدفمندی یارانه‌هاست. همه‌ی کارشناسان اقتصادی، چه در دولتهای قبلی، چه در دولت کنونی متفق‌القولند که هدفمندی یارانه‌ها برای کشور یک نیاز و یک ضرورت است؛ همه این را اعتراف کرده‌اند. با وجود اینکه این معنا مورد اتفاق همه بوده است، اما این اقدام لازم به خاطر دشواری‌هایش، به خاطر پیچیدگی‌هایش، بر زمین مانده بود. دولت و مجلس در سال ۹۰، در شرائط تحریم، در شرائطی که دشواری و پیچیدگی این کار بیشتر از همیشه است، همت کردند، اقدام کردند و مراحل مهمی از این کار را پیش بردند. کار تمام نشده است؛ اما آنچه که تاکنون مسئولان کشور - چه در دولت، چه در مجلس شورای اسلامی - اقدام کرده‌اند و پشتیبانی و همدلی و همراهی ملت، آنها را قریب موفقیت کرده، بسیار مهم و قابل توجه است.

بر اساس گزارش مراکز علمی معتبر دنیا - این گزارش مربوط به مراکز علمی خود ما نیست - سریع‌ترین رشد علمی جهان، امروز در ایران دارد انجام می‌گیرد. در سال ۹۰ که تقریباً برابر بود با

جمهوری اسلامی شد مرکز توجه دنیای اسلام که امروز بیدار شده است.

در زمینه‌ی خدمات اقتصادی، ده ها هزار خانه و مسکن ساخته شد و در اختیار مردم قرار گرفت. این آمارها، آمارهای بزرگی است؛ آمارهای مهمی است. مسکن روستائی ساخته شد، جاده ها ساخته شد، بزرگراه‌ها و آزادراه‌ها ساخته شد. اینها طیعه‌ی دهه‌ی پیشرفت و عدالت است. ما گفتیم این دهه، «دهه‌ی پیشرفت و عدالت» خواهد بود؛ این طیعه‌اش است. ما سه سال از این دهه را گذراندیم. در مقابل با این دشمنان، در مقابل با این بدخواهان عنود و خبیث، این ملت فعال و پر نشاط توانسته است این پیشرفتهای را به وجود بیاورد.

اینها بخشی از دستاوردهای سال ۹۰ است. چرا این دشمنی‌ها را می‌کنند؟ من این نکته را عرض بکنم؛ بهانه‌ی دشمنی در اوقات مختلف متفاوت است. از وقتی مسئله‌ی هسته‌ای مطرح شده است، بهانه‌ی دشمنی‌ها مسئله‌ی هسته‌ای است. البته می‌دانند و اعتراف هم می‌کنند که ایران دنبال سلاح هسته‌ای نیست. واقع قضیه هم همین است. ما به دلایل خودمان، به هیچ وجه دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ نه تولید کردیم و نه تولید خواهیم کرد؛ این را میدانند، اما یک بهانه است. یک روز این مسئله بهانه است، یک روز حقوق بشر بهانه است، یک روز فلا ن مسئله‌ی داخلی بهانه است؛ اما همه‌ی اینها بهانه است. مسئله‌ی اصلی چیست؟ مسئله‌ی اصلی، حراست مقتدرانه‌ی نظام اسلامی از ثروت عظیم نفت و گاز در این کشور است. امروز و فردا - مثل دیروز - اقتدار اقتصادی و سیاسی و به تبع آن، اقتدار علمی و نظامی، متوقف است به آن رژی، به نفت. تا ده‌ها سال دیگر، دنیا محتاج نفت و گاز است؛

این یک مطلب مسلم است. استکبار و قدرتهای استکباری می‌دانند که رگ حیاتشان به نفت و گاز وابسته است. آن روز که نتوانند این نفت ارزان را به دست بیاورند، آن روز که مجبور باشند برای تهیه‌ی نفت و گاز امتیاز بدهند و از زورگویی دست بردارند، آن روز برای آنها مصیبت‌بار است.

از طرف دیگر، کشورهای غربی از لحاظ منابع نفتی دچار مشکل شده‌اند و روزبه‌روز مشکل آنها بیشتر خواهد شد. منابع نفتی کشورهای اروپائی و به طور کلی کشورهای غربی، بعضی چهار سال دیگر تمام خواهد شد، بعضی شش سال دیگر تمام خواهد شد، بعضی نه سال دیگر تمام خواهد شد؛ لذا مجبورند از منابع غیر خودشان استفاده کنند. کشور آمریکا که امروز حدود سی و چند میلیارد بشکه نفت ذخیره دارد، طبق محاسباتی که کارشناسان کشورمان کرده‌اند - که آمارشان متکی به آمار خود آمریکایی‌هاست - نفتش تا سال ۲۰۲۱، یعنی تا نه سال دیگر تمام خواهد شد. نفت دنیا که امروز بیش از پنجاه درصدش از خلیج فارس خارج می‌شود، آن روز متکی خواهد شد به سه منبع عمده‌ی نفتی در منطقه‌ی ما و در خلیج فارس؛ که البته یکی از آن سه منبع، ایران است، که من حالا عرض خواهم کرد. در بین همه‌ی کشورهای دنیا - این دیگر مربوط به خلیج فارس نیست - آن کشوری که موجودی نفت و گازش بر روی هم از همه بیشتر است، کشور جمهوری اسلامی ایران است. بعضی از کشورها گازشان بیشتر از ماست، بعضی نفتشان بیشتر از ماست. ما در منابع گاز، کشور دوم در دنی هستیم - اول روسیه است، بعد ما - در منابع نفت، ما کشور چهارم هستیم؛ سه تا کشور قبل از ما منابع نفت دارند که بیشتر از ما هستند؛ لیکن اگر نفت و گاز را بر روی هم حساب کنیم، جمهوری اسلامی، کشور

نیست؛ مسئله‌ی جمهوری اسلامی است که مثل شیر در مقابل اینها ایستاده است. اگر جمهوری اسلامی هم در مقابل اینها مثل بعضی از رژیمهای منطقه، حاضر بود به ملت خودش خیانت کند، در مقابل اینها تسلیم بشود، با او کاری نداشتند. مسئله‌ی اینها زیاده‌خواهی‌های استکباری است؛ این علت دشمنی با ملت ایران است.

البته آمریکائی‌ها اشتباه می‌کنند. اینکه فکر کنند با ستیزه‌گری، با دشمنی، با تهدید میتوانند جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنند، یا بتوانند جمهوری اسلامی را از میان بردارند، یک خطای بزرگ و فاحشی است؛ چوب این خطا را هم می‌خورند. آنها میتوانند با ملت ایران محترمانه رفتار کنند، میتوانند به حق خودشان قانع باشند، میتوانند فاجعه‌ای را که در انتظارشان هست، ببینند و بشناسند. کشورهای غربی نمی‌گذارند مردمشان از فاجعه‌ی آینده‌ی نفت مطلع شوند. آنها نمی‌خواهند ملت‌هاشان بفهمند که در قضیه‌ی نفت و حامله‌های انرژی چه چیزی در انتظار آنهاست؛ این را نمی‌خواهند به ملت‌هاشان بگویند. اینها خیال می‌کنند با ستیزه‌گری با ملت ایران می‌شود کار را پیش برد، اما نمیتوانند.

شعار امسال را قرار دادیم «تولید ملی»؛ دنباله‌اش توضیح داده شده: «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی». یعنی شما وقتی کالای داخلی را مصرف می‌کنید، به کارگر ایرانی دارید کمک می‌کنید، اشتغال ایجاد می‌کنید، به سرمایه‌ی ایرانی هم دارید کمک می‌کنید، رشد و نمو ایجاد می‌کنید. این فرهنگ غلطی است - که متأسفانه در بخشهایی از ما حاکم است - که مصنوعات خارجی را مصرف کنیم؛ این به ضرر دنیای ماست، به ضرر پیشرفت ماست، به ضرر

عزیز شما، منابعش - بر طبق آنچه که تا امروز اکتشاف شده است - از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است؛ این خیلی چیز جذابی است برای مصرف‌کنندگان نفت در دنیا، برای دستگاه‌های استکبار که رگ حیاتشان به حامله‌های انرژی، به نفت و گاز وابسته است. بنابراین ایران کشوری با یک چنین ثروتی است. آنها تا چهار سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا پانزده سال دیگر نفتشان تمام می‌شود؛ اما جمهوری اسلامی - بر طبق منابعی که تا امروز اکتشاف شده است - تا هشتاد سال دیگر نفت و گاز دارد؛ این خیلی جذاب است. کشوری در اوج قله‌ی دارائی نفت و گاز؛ خب، قدرتهای استکباری چه می‌خواهند؟ می‌خواهند این کشور در اختیار دولتی باشد، در اختیار نظامی باشد که مثل موم در دست آنها باشد؛ مثل بعضی از کشورهای منطقه. این کشورها نفت دارند، زیاد هم دارند، اما مثل موم در دست آمریکائی‌ها: اینقدر تولید کنید، چشم؛ اینقدر قیمت بگذارید، چشم؛ به اینجا بفروشید، به اینجا نفروشید، چشم. اگر در کشور ثروتمند ایران که قله‌ی ثروت نفت و گاز متعلق به اوست، نظامی بر سر کار باشد که غیرتمندانه از این ثروت ملی حراست کند، اجازه‌ی چپاول ندهد، اجازه‌ی تپاول ندهد، تسلیم سیاستهای دشمنان نباشد، خب، با این نظام دشمنی خواهند کرد. بنابراین دشمنی با ایران اسلامی به این خاطر است.

آنهايي که خیال می‌کنند اگر ما در قضیه‌ی انرژی هسته‌ای عقب‌نشینی کردیم، دشمنی آمریکا تمام می‌شود، از این حقیقت غافلند. مشکل آنها مسئله‌ی هسته‌ای نیست. کشورهای هستند که سلاح هسته‌ای دارند، در منطقه‌ی ما هم هستند، آنها ککشان هم نمی‌گزد! مسئله، مسئله‌ی سلاح هسته‌ای یا صنعت هسته‌ای نیست، مسئله‌ی حقوق بشر

آینده‌ی ماست. همه مسئولیت دارند؛ دولت هم مسئولیت دارد، باید از تولید ملی حمایت کند، تولید ملی را تقویت کند.

خوشبختانه «صندوق توسعه اقتصادی» در سیاستها تصویب شد؛ مجلس شورای اسلامی آن را قانون کرد. امروز یک ذخیره‌ی بازرشی در اختیار مسئولان هست؛ میتوانند این را در اختیار تولید ملی بگذارند. باید کار را تسهیل کنند؛ مجلس هم باید همکاری کند، دولت هم بایستی همت کند؛ بتوانند به تولید ملی رونق بدهند. مردم هم - چه آن که دارای سرمایه است، چه آن که دارای قدرت کار است - بایستی با ایجاد اتقان، همکاری کنند. محصول

ترجیح بدهیم به مارکهای داخلی؛ در حالی که تولید داخلی در خیلی از موارد بسیار بهتر است. تولید داخلی مهم است. ببینید کارگر ایرانی چه تولید کرده است، سرمایه‌دار ایرانی چه سرمایه گذاری کرده است. در زمینه‌ی مصرف، عمده‌ی کار دست مردم است؛ که این بخشی از اصلاح الگوی مصرف است که من دو سال قبل اینجا به ملت ایران عرض کردم، و بخشی از جهاد اقتصادی است که سال گذشته عرض کردم. تولید ملی مهم است؛ این را باید هدف قرار بدهند.

من یک توصیه هم در زمینه‌ی سیاسی بکنم. عزیزان من! برادران! خواهران! در سرتاسر کشور، امروز ما



داخلی را باید مرغوب، باکیفیت و بادوام تولید کنیم. تا آنجائی که بتوانیم، باید قیمت تمام شده را ارزان تمام کنیم. این کار، همکاری همه را میطلبد. بخشهای گوناگون دولتی باید در این زمینه همکاری کنند - چه بخشهای پولی و مالی، چه بخشهای دیگر اقتصادی - مجلس هم باید همکاری کند، تا بتوانند این قضیه را در کشور ما تحقق ببخشند.

عمده، مردمند. شما باید کالای ایرانی بخواهید. این افتخار نیست؛ این تفاخر غلطی است که ما مارکهای خارجی را در پوشاکمان، در وسائل منزلمان، در مبلمانمان، در امور روزمره مان، در خوراکی هامان

احتیاج داریم به اتحاد و یکپارچگی. بهانه‌های اختلاف زیاد است. گاهی در یک قضیه ای سلیقه‌ی یک نفر، دو نفر با هم یکسان نیست؛ این نباید بهانه‌ی اختلاف بشود. گاهی در کسی یک گرایش هست، در دیگری نیست؛ این نباید مایه‌ی اختلاف بشود. آراء، نظرات، همه محترمند. اختلاف در درون، منازعه‌ی در درون، موجب فشل میشود. قرآن به ما تعلیم میدهد: «و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم». اگر منازعه کنیم، سر مسائل گوناگون - مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مسائل شخصیتی - دشمن ما جری می شود. یک مقدار از جرأتی که دشمن در سالهای گذشته پیدا کرد، به خاطر

اختلافات بود. امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به ما درس میدهد؛ میفرماید: «لیس من طلب الحق فإخطأه کمن طلب الباطل فأصابه». مخالفین دو جورند. یک مخالفی است که دنبال حق است، او هم دنبال جمهوری اسلامی است، او هم دنبال انقلاب است، او هم دنبال دین و خداست، منتها راه را اشتباه کرده؛ با این نباید دشمنی کرد؛ این فرق دارد با کسی که در جهت غیر نظام اسلامی، با هدف معاندانه‌ی علیه نظام اسلامی حرکت می کند. دلها را به هم نرم کنید، برخوردها را نسبت به یکدیگر مهربانانه‌تر کنید.

این رسانه های الکترونیکی و اینترنتی متأسفانه موجب شده است که افراد بی محابا علیه یکدیگر حرف بزنند، بد بگویند. باید از طرف مسئولین کشور برای این هم یک جوری تدبیر بشود. ولی عمده این است که خود ما مردم، خودمان را مقید کنیم به اخلاق اسلامی؛ خودمان را مقید کنیم به قانون. حالا این حرف من بهانه‌ای نشود برای اینکه یک عده ای بروند جوانهای انقلابی را به عنوان جوانهای تند، مورد ملامت و شماتت قرار بدهند؛ نه، من همه جوانهای غیور کشور را، جوانهای مؤمن انقلابی کشور را فرزندان خودم میدانم و پشت سر آنها قرار می گیرم؛ من از جوانان انقلابی و مؤمن و غیور

حمایت می کنم؛ منتها همه را توصیه میکنم به این که در رفتار خود، با اخلاق اسلامی رفتار کنند؛ قانون را مراعات کنند. همه باید قانون را مراعات کنند . تجسم انقلاب در قانون جمهوری اسلامی است . مسئولان کشور هم همین جور . هم دولت حریم مجلس را حفظ کند، هم مجلس حریم دولت و رئیس جمهور را حفظ کند؛ با هم باشند، در کنار هم باشند . این معنایش این نیست که همه یک جور فکر کنند؛ معنایش این است که اگر دو جور فکر می کنند، دست‌به‌گریبان نشوند . هر گونه مخالفت ما با یکدیگر، هر گونه دعوا و نزاع ما با یکدیگر، دشمنان را امیدوار میکند، خوشحال میکند.

امیدوارم سال ۱۳۹۱ که امروز شروع شد، جزو سالهای پرنشاط و پر کار و همراه با موفقیت و خوشبختی برای ملت ایران باشد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، جوانان عزیز ما، ملت عزیز ما را در صراط مستقیم ثابت قدم بدار . پروردگارا! دشمنان این ملت را منکوب و مقهور بفرما. پروردگارا! این ملت عزیز و مجاهد و مقاوم را به آرزوهای بزرگش برسان . قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کن؛ ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بده.



تأثیر حمایت از تولید داخلی در ثبات قیمتها

تهیه و تنظیم: اصغر هاشم زاده اصل
آموزش و پرورش شهرستان بناب

چکیده:

اهمیت افزایش تولید داخلی و تأثیر آن بر متغیرهای اقتصادی و بهبود زندگی انسانها و رفاه عمومی بر کسی پوشیده نیست، در این مقاله سعی می شود تأثیر حمایت از تولید داخلی در ثبات قیمتها بررسی شود برای این کار بعد از تشریح معنی و مفهوم تولید داخلی و ثبات قیمتها به دلایل پایین بودن تولید داخلی و آثار و پیامدهای منفی پایین بودن تولید داخلی اشاره شده آنگاه نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی و لزوم دخالت دولت در اقتصاد و همینطور دلایل دخالت دولت در اقتصاد بررسی شده و سپس به نقش نیروی انسانی در افزایش تولیدات به عنوان مهمترین عامل تولیدی و افزایش بهره وری نیروی انسانی پرداخته شده و در نهایت به راههای حمایت دولت از تولیدات داخلی اشاره گردیده است.

کلمات کلیدی:

تولید داخلی - ثبات قیمتها - دخالت دولت در اقتصاد - نیروی انسانی - افزایش بهره وری نیروی انسانی

مقدمه:

داشته است که مهمترین آنها عملکرد ضعیف و سیاستهای غلط و غیر اقتصادی دولت به طور کلی و عدم حمایت اساسی دولت از تولید داخلی به طور اخص در طول تاریخ بوده است. لازم به ذکر است که هر چند تمام مقولات و موارد مطرح شده در مباحث اقتصادی مهم و قابل تأمل می باشند ولی به نظر می رسد تمام آن مباحث از جمله ثبات قیمتها بر مبنای تولید شکل می گیرند و اهمیت پیدا می کنند لذا اگر تولید نباشد در واقع نمی توان به هدف اساسی و اولیه انسانها یعنی تأمین معاش در وهله اول و داشتن زندگی بهتر در مراحل بعدی جامعه عمل پوشاند یعنی اگر تولید نباشد تمام انسانها علاوه بر مشکلات عدیده ای که با آنها روبرو خواهند شد به فقر

با توجه به اهمیت میزان تولید و بالا بودن آن در سطح جوامع که تأثیر مستقیم در ثبات قیمتها و کاهش تورم خواهد داشت بنابراین دستیابی به تولید بیشتر و ثبات قیمتها در جهت رسیدن به رفاه و آسایش اقتصادی و زندگی بهتر تمام مردم جامعه همواره دغدغه دولتها و ملتها بوده است.

البته با بررسی روند تاریخی تولید داخلی در ایران در مقایسه با سایر کشورها مخصوصاً کشورهای پیشرفته دنیا و منطقه بنا به دلایلی تولید داخلی در ایران نسبتاً پایین بوده و چندین مشکل اساسی در این رابطه وجود

دچار شده و زندگی آنها به خطر خواهد افتاد بر این اساس مسئله فقر و به ویژه فقر فاحش روستایی از جمله موضوعاتی است که در دو دهه اخیر در سطح بین المللی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس گزارش بانک جهانی در آغاز هزاره سوم بیش از یک میلیارد نفر یعنی حدود یک پنجم جمعیت دنیا درآمد کمتر از یک دلار در روز و حدود سه میلیارد نفر یعنی تقریباً نیمی از جمعیت جهان درآمد کمتر از دو دلار در روز داشته و در فقر به سر می برند. متأسفانه نهادهای ما لی دنیای

معنا و مفهوم تولید داخلی:

تولید از نظر لغوی به معنی حاصل کردن چیزی از طریق زراعت یا صنعت می باشد (عمید، ۱۳۶۱، ص ۴۳۱) ولی مفهوم آن عبارت است از تمام اقدامات و مراحل که در آن منابع به کالاها و خدمات مورد مصرف تبدیل می شوند و منظور از تولید داخلی یعنی تمام تولیدات اعم از کالا و یا خدمات که در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور

معنا و مفهوم ثبات قیمتها:

قیمت از نظر لغوی به معنی ارزش، نرخ، بها می باشد (عمید، ۱۳۶۱، ص ۹۱۲) و اما ثبات قیمتها به حالتی گفته می شود که در آن هیچ تغییری در دوره مورد بررسی در قیمت کالاها و خدمات بوجود نیاید و این ثبات قیمتها را معمولاً در دو دوره خاص و با دو سال متوالی اندازه گیری می کنند و در شرایطی این حالت بوجود می آید که در جامعه تولید کالا و خدمات افزایش یافته باشد و یا به عبارتی عرضه کالا و خدمات نسبت به تقاضای آنها بیشتر باشد البته پر واضح است که برای افزایش تولید مکانیزمهایی لازم است که در اقتصادهای مختلف این

آثار و پیامدهای پایین بودن تولید داخلی:

۱- فقر: به نظر می رسد اولین و مهمترین مشکل و پیامد پایین بودن تولید داخلی پدیده فقر می باشد البته فقر به طور کلی به دو دسته تقسیم می شود: (۱) فقر نسبی (۲) فقر مطلق و اما وقتی صحبت از فقر می شود همان فقر مطلق مورد نظر است، در اصطلاح اقتصادی (فقر مطلق) به حالتی گفته می شود که در آن افراد درآمد لازم برای بقا و حفظ سلامت جسمی و روحی خود را نداشته باشند به بیان دیگر در یک جامعه افرادی که

درآمد آنها از سطح حداقل درآمد معیشتی معین کمتر باشد فقیر محسوب می شوند و زیر خط فقر قرار دارند (فنائی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲).

۲- وابستگی اقتصادی: وابستگی اقتصادی در واقع نقطه مقابل استقلال اقتصادی می باشد استقلال اقتصادی به حالتی گفته می شود که در آن سایر کشورها در خارج نتوانند با اتخاذ تصمیمات خود سیاستهای اقتصادی کشوری را مختل سازند پس وقتی از

دهد و شغلی داشته باشد ولی شغلی پیدا نمی کند و در نتیجه درآمدی ندارد (رجب زاده، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

۴- تورم:

از نظر علم اقتصاد تورم عبارت از افزایش بی رویه و مداوم سطح قیمت‌هاست. در مورد علت به وجود آمدن تورم در یک جامعه نظریه های مختلفی وجود دارد. یکی از نظریه های اصلی در این باره، علت تورم را نابرابری عرضه و تقاضای



کل در جامعه می داند. این فزونی تقاضا بر عرضه به صورت افزایش قیمت ها بروز می کند. اگر افزایش پول در جامعه ب افزایش تولید هم‌هنگ نباشد می تواند سبب تورم شود (فنائی، ۱۳۸۰، ص ۶۶).

روشن است تورم باعث کاهش پس انداز مردم شده و سطح سرمایه گذاری را پایین می آورد به دلیل اینکه پس اندازهای مردم تبدیل به سرمایه گذاری می شوند و در صورت کاهش پس انداز طبیعتاً سرمایه گذاری نیز کاهش پیدا می کند و در نهایت با کاهش سرمایه گذاری سطح تولید نیز پایین می آید و کاهش تولید به طور معمول تورم و یا به عبارتی عدم ثبات قیمت‌ها را به دنبال خواهد داشت. در نظریه های اقتصادی، تورم را به سه نوع تقسیم می کنند:

- ۱ - تورم خزنده (آرام یا خفیف): به افزایش ملایم قیمت‌ها گفته می‌شود. در تورم خفیف، افزایش قیمت بین ۱ تا ۶ درصد، حداکثر ۴ درصد یا بین ۴ تا ۸ درصد در سال ذکر شده است.
- ۲ - تورم شدید (تورم شتابان یا تازنده): در این نوع تورم آهنگ افزایش قیمت‌ها تند و سریع است. برای تورم شدید، ۱۵ تا ۲۵ درصد در سال را نوشته اند.

وابستگی اقتصادی صحبت می شود یعنی اینکه سایر کشورها می توانند به راحتی با اتخاذ تصمیمات در خارج از کشور سیاستهای اقتصادی را مختل سازند (روزبهان، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲). لازم به ذکر است که وابستگی اقتصادی برای کشورها عواقب و پیامدهای منفی بیشتری را به دنبال دارد که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می شود.

- پایین بودن درآمد و سطح رفاه مردم
- بالا بودن نرخ بیکاری
- فقیر بودن طبقات مختلف جامعه
- بالا بودن میزان جرم، جنایت و فساد در جامعه
- وجود تضاد طبقاتی
- بالا بودن میزان بی سوادی و جهل عمومی در سطح جامعه
- بالا بودن سوء تغذیه در بین افراد
- پایین بودن سطح بهداشت و آموزش در سطح کشور
- پایین بودن امکانات رفاهی و تفریحی
- وابسته بودن به واردات کالاهای صنعتی
- وابسته بودن به سرمایه های خارجی
- پایین بودن میزان پس انداز و سرمایه گذاری
- بالا بودن آسیب پذیری در برابر نوسانات قیمت‌های جهانی
- تأثیر پذیری شدید از بحرانهای اقتصادی به وجود آمده در دنیا
- بالا بودن ناهم‌هنگی بین بخشهای مختلف تولیدی
- از بین رفتن روحیه افراد برای ایجاد خلاقیت در زمینه های علمی و تکنولوژیکی
- پایین بودن نوآوری و ابداع در سطح جامعه

۳- بیکاری:

همانطوری که می دانیم بیکاری علاوه بر آثار و مشکلات اقتصادی از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز پیامدهای منفی زیادی از جمله اعتیاد، قتل و جنایت، دزدی، فساد و... به دنبال دارد بنابراین لازم است دولت به طور کلی با اجرای سیاستهای مختلف اقتصادی و به طور اخص با حمایت از تولیدات داخلی و افزایش تولیدات زمینه ایجاد اشتغال و رفع بیکاری را به وجود آورد. البته بیکاری انواع و اقسام مختلفی دارد که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست لذا در این مقاله فقط تعریف مختصری از بیکاری ارائه می شود: بیکاری به حالتی گفته می شود که در آن فرد می تواند کاری انجام

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل بروز تورم در ایران تأمین کسری بودجه از طریق استقراض دولت از بانک مرکزی و یا از طریق فروش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت به بانک مرکزی باعث افزایش پایه پولی و نقدینگی می‌گردد و افزایش نقدینگی در افزایش سطح عمومی قیمت‌ها (تورم) ظاهر می‌شود.

یکی از راه‌های مهار تورم اتخاذ صحیح سیاست‌های پولی مناسب است؛ یعنی رشد باثبات و پیش‌بینی شده حجم پول. بسیاری از کشورها مانند کره جنوبی، مکزیک، نروژ، بلند و انگلستان با اعمال سیاست‌های پولی اصولی، موفق به کاهش تورم به ارقام یک رقمی (معمولاً زیر ۵ درصد) شده‌اند که یکی از دلایل عمده آن استقلال بانک مرکزی در این کشورها برای پیشبرد سیاست‌های پولی بوده است (سایت بانکی).

۳ - تورم بسیار شدید (تورم افسار گسخته، فوق تورم و ابر تورم): این نوع تورم شدیدترین حالت تورم به شمار می‌رود. معیار تورم بسیار شدید را ۵۰ درصد در ماه یا دو برابر شدن قیمت‌ها در مدت شش ماه و... بیان داشته‌اند (سایت راهکار مدیریت).

راه‌های مبارزه با تورم به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱ - سیاست‌های پولی و مالی: هدف این روش محدود کردن تقاضای کل است. این کار از طریق جمع‌آوری پول به شکل سرمایه‌های غیر نقدی صورت می‌گیرد (سیاست‌های انقباضی).

۲ - سیاست‌های درآمدی: با دخالت مستقیم در بازار و عوامل تولیدکننده، تورم کنترل می‌شود. این روش کاربردی‌رست زیرا در آن مناطق زیادی نیاز به اصلاح دارند (سایت راهکار مدیریت).

نقش دولت در فعالیتهای اقتصادی:

این نظریه می‌گویند دولت نمی‌تواند کارفرمای خوبی باشد و کارمندان دولت انگیزه کافی برای خدمت و تولید ندارند.

۲- در مقابل طرفداران دخالت دولت در اقتصاد می‌گویند دولت باید نقش حمایتی و ارشادی در اقتصاد داشته باشد و در مواقع لزوم مانند تورم شدید و یا رکود در اقتصاد دخالت نماید.

مسئله‌ای که وجود دارد این است که وقتی از تأثیر حمایت از تولید داخلی صحبت می‌شود در واقع حمایت به وسیله دولت و سیاست‌های اقتصادی شفاف و صحیح از طرف نهادهای دولتی می‌باشد در اینجا باید روشن شود که آیا لازم است دولت در اقتصاد دخالت نماید و یا به عبارت دیگر آیا دولت می‌تواند در فعالیتهای اقتصادی تأثیر و نقش داشته باشد و اینکه دخالت دولت تا چه حدی و به چه میزان باید باشد. البته در مکاتب مختلف اقتصادی نظرات مختلفی وجود دارد در واقع به طور کلی دو نوع نگرش در مورد دخالت دولت در اقتصاد وجود دارد:

۱- دولت نباید مطلقاً در اقتصاد دخالت نماید، طرفداران

دلایل دخالت دولت در اقتصاد

جدی اقتصادی، اجتماعی تبدیل می‌شود. به دلیل آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیکاری معمولاً دولت‌ها برای مقابله با این مشکل و مهار آن بسیار تلاش می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از اهداف دولت در عرصه‌ی اقتصاد، ایجاد اشتغال کامل و مبارزه با بیکاری است. برای تحقق این هدف دولت‌ها می‌کوشند شرایط رونق اقتصادی را فراهم

به دلایل زیر دخالت دولت در اقتصاد ضروری می‌باشد:

۱- ایجاد اشتغال کامل: اشتغال کامل به وضعیتی اطلاق می‌شود که در جامعه همه جویندگان شغل دارای شغل باشند و بیکاری وجود نداشته باشد. در جوامع امروزی معمولاً مشکل بیکاری وجود دارد و در بعضی جوامع به ویژه جوامع در حال توسعه این مشکل گاه به یک مشکل حاد و

شعار تلاش برای بهبود زندگی فقرا شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. از دیدگاه اقتصاددانان رفع فقر و حمایت از اقشار کم درآمد، راهی برای گسترش توسعه اقتصادی و نیز حرکتی در جهت تسریع روند توسعه یافتگی جامعه است زیرا فقر گسترده می‌تواند مانعی بر سر راه توسعه همه جانبه جوامع باشد. در این زمینه دولت‌ها با توجه به ضرورت مقابله با فقر معمولاً به طراحی و اجرای سیاست‌هایی می‌پردازند که بتوانند ابعاد فقر را در جامعه محدود کند. بنابر آنچه گفت‌شد این هدف را نیز می‌توان یکی از اهداف دولت در عرصه اقتصاد جامعه تلقی کرد.

۴- ثبات قیمتها: هدف دیگر دولت در عرصه اقتصاد جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و مهار تورم است.

مهار تورم است. شرایط تورم قیمت کالاها و

خدمات به سرعت افزایش می‌یابد و اقتصاد کشور دچار اختلال می‌شود. به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات افراد کم درآمد جامعه برای تأمین کالاهای مورد نیاز خود با مشکلات جدی رو به رو می‌شوند. در نتیجه سطح رفاه عمومی کاهش می‌یابد. در این شرایط تلاش دولت بر این است که تا حد ممکن از افزایش قیمتها جلوگیری کند و با اتخاذ سیاست‌های مناسب تورم را مهار و قیمتها را تثبیت نماید (روزبهان، ۱۳۸۰، صص ۱۲۰-۱۱۸).

با توجه به مطالب ارائه شده روشن می‌شود که ثبات قیمتها یکی از اهداف مهم اقتصادی دولت می‌باشد و دولت می‌تواند در این زمینه با استفاده از

آوردند. در چنین شرایطی فعالیتهای تولیدی گسترش می‌یابد و تمایل تولیدکنندگان به استخدام نیروی کار جدید بیش تر می‌شود. این به معنای ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و رسیدن به اشتغال کامل است.

۲- رشد و توسعه اقتصادی: به دلیل فاصله چشم‌گیری که از نظر سطح زندگی و امکانات بین جوامع توسعه یافته و در حال توسعه پدید آمده است دستیابی به توسعه اقتصادی و طی مراحل پیشرفت مادی برای کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای که به کاهش فاصله مذکور منتهی شود هدف مهمی است. نقش دولت در اقتصاد این هدف مهم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. سیاست‌های اقتصادی دولت می‌تواند حرکت جامعه را به سمت توسعه کند سازد یا برعکس بر سرعت آن بیفزاید. بررسی تجربه توسعه در کشورهای پیشرفته نیز نشان می‌دهد که دولت‌ها در حرکت این گونه جوامع به سمت توسعه یافتگی تأثیر بسزایی داشته‌اند. امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه دولت‌ها با جدیت تمام از طرح‌های توسعه سخن می‌گویند. برای دستیابی به رشد و توسعه بیشتر برنامه ریزی و سیاست‌گذاری می‌کنند و با این هدف و آرمان به عرصه اقتصاد کشورها وارد می‌شوند.

۳- بهبود وضع توزیع درآمد: مقابله با فقر و ارتقای سطح زندگی اقشار کم درآمد و فقر جامعه همواره یکی از اهداف مهم مورد توجه دولت‌ها در جوامع مختلف بوده است. از یک سو مصلحان اجتماعی و معلمان اخلاق بر ضرورت حمایت و کمک اقشار ثروتمند به فقرا و افراد کم درآمد تأکید کرده‌اند و از سوی دیگر نهضت‌های اجتماعی - سیاسی بزرگ با



در پایان بد نیست به مزیتها و استعدادها و منابع و امکانات منحصر به فرد کشورمان که می تواند زمینه لازم را در جهت افزایش تولیدات داخلی و ثبات قیمتها فراهم آورد اشاره شود.

نظرات صاحب نظران و کارشناسان اهل فن حمایتهای لازم و اصولی را از تولید داخلی انجام داده و با این کار تاثیر مستقیمی بر ثبات قیمتها داشته باشد.

نمونه هایی از مزیتها، توانایی ها، منابع و امکانات منحصر به فرد کشور:

- ۱- وجود منابع معدنی کافی از جمله نفت و گاز
- ۲- وجود محیط طبیعی نسبتاً مناسب (وجود زمین های حاصلخیز و آب و هوای بسیار مناسب و میزان بارش و...)
- ۳- وجود نیروی انسانی مناسب و کافی
- ۴- وجود افراد مبتکر و خلاق و نخیه و پژوهشگر و به طور کلی سطح هوشی بالاتر از متوسط در تمام افراد جامعه
- ۵- وجود روحیه فداکاری و ایثار و از خودگذشتگی در مردم ایران
- ۶- وجود روحیه اتحاد و همکاری و دلسوزی فراوان در مردم ایران
- ۷- وجود سرمایه لازم جهت سرمایه گذاری در بخشهای مختلف تولیدی (صنعت، کشاورزی، خدمات)
- ۸- وجود مردمی صبور و قانع و پر کار و تلاشگر
- ۹- وجود مردم متدین و با ایمان و معتقد
- ۱۰- وجود حکومت و دولت و نمایندگان منتخب مردم

و اما قبل از پرداختن به راههای حمایت دولت از تولیدات داخلی به این مسئله اشاره می کنیم که مهم ترین عامل تولیدی در فعالیتهای اقتصادی نیروی انسانی مخصوصاً نیروی انسانی متخصص می باشد ولی متأسفانه عوامل گوناگونی مانع از تأثیرگذاری بهینه نیروی انسانی در جهت افزایش تولیدات و پیشرفت جامعه ما در گذشته و امروزه بوده و هستند. ابتدا به عوامل گذشته اشاره می کنیم:

عوامل در گذشته:

- ۱- حکومتهای موجود در جامعه و وابستگی آنها به کشورهای قدرتمند
- ۲- حاکمیت فرهنگ مصرفی خارجی در جامعه
- ۳- عدم حمایت حاکمان جامعه از نیروی انسانی خلاق و پژوهشگر
- ۴- نبودن انگیزه قوی برای فعالیتهای تولیدی
- ۵- عدم شناسایی استعدادها و امکانات و سرمایه های کشور از سوی کارشناسان و مسئولین کشور
- ۶- پرداختن به مسائل غیراقتصادی و غیرتولیدی در جامعه بوسیله بزرگان جامعه و به تبع آن بقیه افراد
- ۷- نبودن مراکز پژوهشی و تحقیقاتی در جامعه
- ۸- نبودن اراده و اعتماد به نفس در افراد روشنفکر و متخصص در جامعه
- ۹- عدم دسترسی آسان به موارد اولیه و تکنولوژی لازم جهت بالا بردن تولیدات
- ۱۰- بکارگیری روشهای تولیدی غلط و سنتی در تولیدات کشاورزی و صنعتی

عوامل امروزی:

- ۱- عدم حمایت جدی مسئولین کشور از پژوهشگران و محققین جامعه
- ۲- عدم تأمین نیازهای افراد متخصص و پژوهشگر و نیروی انسانی کارآمد در جامعه
- ۳- عدم گسترش مراکز پژوهشی و تحقیقاتی
- ۴- عدم اهمیت به آموزش و هدایت جدی نیروی انسانی در جهت بالا بردن تولیدات
- ۵- عدم شناسایی استعدادهای درخشان و حمایت از آنها و جلوگیری از فرار مغزها

- ۶- نبودن انگیزه لازم در نیروی انسانی برای پژوهش و بالا بردن تولیدات
- ۷- عدم استفاده کافی از امکانات و مراکز سایر کشورها در جهت بالا بردن تولیدات
- ۸- نهادی نشدن فرهنگ توسعه در جامعه
- ۹- عدم حمایت از تولیدکنندگان مخصوصاً تولیدکنندگان کشاورزی و صنعتی
- ۱۰- عدم حمایت لازم از صادرات تولیدات کشاورزی و صنعتی
- ۱۱- عدم شفافیت قوانین مربوط در زمینه های اقتصادی از جمله صادرات و مالیات

بهره وری نیروی انسانی و به طور غیر مستقیم باعث افزایش تولیدات داخلی و ثبات قیمتها بشود زیرا با افزایش بهره وری می توان با عوامل تولیدی معین مقدار بیشتری از کالاها و خدمات را تولید کرد، نکته ی که باید به آن توجه کرد این است که افزایش بهره وری علاوه بر تاثیر مستقیم برافزایش تولید و ثبات قیمتها مزایای بیشمار دیگری نیز دارد، بنابراین بد نیست به مواردی از مزایای افزایش بهره وری نیروی انسانی اشاره شود

به غیر از موارد ذکر شده مسئله حائز اهمیت دیگری که در رابطه با نیروی انسانی وجود دارد عدم توجه کافی به بهره وری و مخصوصاً افزایش بهره وری نیروی انسانی می باشد که خود می تواند عامل مهم در جهت افزایش تولیدات و کاهش تورم و ثبات قیمتها به شمار آید و دولت می تواند با اجرای سیاستهای مشخص و اتخاذ تصمیمات و تدابیر مقتضی به طور مستقیم باعث افزایش

مزایای افزایش بهره وری نیروی انسانی:

- ۱- بالا رفتن میزان تولیدات
- ۲- بالا رفتن کیفیت محصول و اعتبار بخشیدن به کالا و خدمت
- ۳- کاهش قیمت تمام شده محصول و افزایش رقابت در بازار
- ۴- تأمین رضایت مشتری و تضمین بازار
- ۵- افزایش سود حاصل از فعالیتها و بهبود بنیه مالی سازمان
- ۶- تأمین رضایت کارکنان و برآورده شدن نیازهای مادی و معنوی آنان
- ۷- فراهم شدن موجبات توسعه و گسترش سازمان
- ۸- ایجاد و افزایش اشتغال
- ۹- افزایش مشارکت بین نیروی کار و مدیریت
- ۱۰- اجرای عدالت در سازمان

راههای حمایت دولت از تولید داخلی:

همانطوریکه می دانیم با حمایت از تولیدات داخلی به وسیله دولت و یا هر نهاد دیگری ابتدأ شاهد افزایش میزان تولیدات داخلی در کشور خواهیم شد و این افزایش طبیعتاً باعث فزونی عرضه بر تقاضا شده و سطح قیمتها را اگر کاهش هم ندهد در حالت ثبات نگه خواهد داشت، و اینک به مواردی از راههای حمایت دولت از تولید داخلی :

- ۱- تغییر شیوه های تولیدی رایج در کشور که بیشتر مبتنی بر روشهای سنتی استوار است.
- ۲- استفاده از منابع و امکانات تولیدی
- ۳- بازسازی و تغییر تکنولوژی بکار رفته در تولیدات
- ۴- برنامه ریزی صحیح در جهت شناسایی امکانات بالقوه بخش های مختلف تولیدی (کشاورزی، صنعتی، معدنی و خدماتی)
- ۵- حمایت مستمر و اصولی از تولیدکنندگان بخش های مختلف اقتصادی
- ۶- آموزش مستمر نیروی انسانی شاغل در بخشهای مختلف اقتصادی
- ۷- سرمایه گذاری برنامه ریزی شده در بخش های مختلف اقتصادی

- ۸- استفاده از سرمایه گذاری های خارجی و امکانات دیگری که باعث افزایش تولیدات داخلی شود
- ۹- در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مورد نیاز تولیدکنندگان به طور آسان و بی دردسر
- ۱۰ اصلاح ساختار و سازماندهی اصولی و برنامه ریزی شده مجدد بخش های مختلف اقتصادی
- ۱۱ اصلاح و تغییر قوانین، اصول و سیاستهای حاکم بر فعالیتهای تولیدی
- ۱۲ ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان برای تولیدات بیشتر از راه ای گوناگون
- ۱۳ ایجاد زمینه برای بروز خلاقیت های و نوآوری ها در نیروی انسانی
- ۱۴ ایجاد اشتغال و به کارگیری نیروهای متخصص و فارغ التحصیل مراکز دانشگاهی و علمی
- ۱۵ تشویق و تسهیل صادرات کالاها بوسیله تولیدکنندگان
- ۱۶ حذف قوانین زائد و دست و پاگیر در تولید و صادرات کالاها
- ۱۷ حذف واسطه ها از بخش های مختلف تولیدی و از بین بردن فرهنگ واسطه گری در جامعه
- ۱۸ متعادل نمودن سودآوری بخش های مختلف اقتصادی در جامعه
- ۱۹ ایجاد زمینه مناسب برای رقابت بین تولیدکنندگان و حتی رقابت با تولیدکنندگان خارجی
- ۲۰ تغییر الگوی مصرف در جامعه و تبلیغ فرهنگ صرفه جویی و ساده زیستی و مصرف کالاهای داخلی در جهت بالا بردن تولیدات داخلی
- ۲۱ اعطای وام به صورت سهل و آسان به تولیدکنندگان
- ۲۲ برنامه ریزی در جهت حمایت اساسی از تولیدکنندگان
- ۲۳ افزایش نرخ تعرفه واردات کالاهایی که مشابه آنها در داخل تولید می شود.
- ۲۴ کاهش نرخ تعرفه واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و مواد اولیه که در داخل تولید نمی شوند و مورد نیاز صنایع کارخانه های داخلی هستند.
- ۲۵ ایجاد زمینه برای سرمایه گذاریهای (داخلی و خارجی) در جهت تولید کالاهای سرمایه ای و واسطه ای مورد نیاز صنایع و کارخانه های داخلی
- ۲۶ تسهیل امور اداری و ارزی واردات کالاهای سرمایه ای و واسطه ای (تأمین ارز لازم مورد نیاز وارد کنندگان کالاهای سرمایه ای و مواد اولیه)
- ۲۷ ایجاد زمینه در جهت سازماندهی و تغییر نگرش های مدیریتی در صنایع کشور با برنامه ریزیهای بلند مدت.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

در این مقاله ضمن پرداختن به تاثیر حمایت دولت از تولید داخلی در ثبات قیمتها سعی شده بر اهمیت افزایش تولیدات و توجه به نیروی انسانی به عنوان مهمترین عامل تولیدی تاکید شود و به تاثیر افزایش تولید در جهت رفاه عمومی و از بین بردن مشکلات اقتصادی جامعه از جمله فقر، بیکاری، وابستگی اقتصادی و تورم توجه شود. همینطور برای جلوگیری از پیامدهای منفی پایین بودن تولید داخلی لزوم دخالت دولت در اقتصاد مد نظر قرار گرفته است ضمناً برای افزایش تولیدات در جهت ثبات قیمتها بر مزیتها و تواناییهای منحصر به فرد کشورمان اشاره شده و در نهایت برای رسیدن به هدف اساسی و تاثیر گذار یعنی ثبات قیمتها و جلوگیری از تورم به حمایت دولت از تولید داخلی مورد تأکید قرار گرفته است.

منابع:

- ۱- بختیاری، صادق، (۱۳۸۹)، مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی، مجله دانش و توسعه، شماره ۳۰، سال هفدهم، انجمن علمی بازرگاری ایران، ص ۳.
- ۲- سایت www.banki.ir
- ۳- سایت راهکار مدیریت
- ۴- سایت هفت پیکر
- ۵- رجب زاده، احمد؛ ملکی، حسن؛ ناصری، محمدمهدی، (۱۳۸۳)، مطالعات اجتماعی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، چاپ ششم.
- ۶- زمان زاده، حمید، (۱۳۹۰)، پنج دهه عملکرد تولید و رشد اقتصادی در ایران، روزنامه دریای اقتصاد، شماره ۲۵۷۹.
- ۷- عمید، حسن، (۱۳۶۱)، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و یکم.
- ۸- فنائی، سیدمجتبی؛ روزبهان، محمود؛ ذاکری، ناصر، (۱۳۸۰)، اقتصاد، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، چاپ اول.



تأثیر تحریم های اقتصادی بر خودکفایی در تولید فرآورده های نفتی

گردآورنده: زهره نصرت
استان قم ناحیه ۴

چکیده:

در این مقاله سعی شده است به صورت اختصار گزیده ای از فعالیت های ایران در خصوص برون رفت از تحریم ها و خود کفایی در تولید فرآورده های نفتی از جمله بنزین، فرآورده های پتروشیمی، نفت سفید، نفت گاز و نفت کوره و گاز طبیعی شرح داده شود.

مقدمه:

نفت یکی از بخش های مهم اقتصادی کشور است و باید از این ماده بهترین استفاده به عمل آید. بسیاری از کارشناسان بر این عقیده اند که تنها راه خروج از بن بست توسعه صنعتی، گسترش صنایع انرژی بر است زیرا سهم ایران، یک درصد از جمعیت جهان، بیست درصد از منابع گاز دنیا و بیش از پنج درصد از منابع نفتی دنیا است و ما در این رشته مزیت مطلق داریم. بنابراین منطق حکم می کند از منابع فراوان نفت و گازی که در

اختیار داریم به بهای نسبتاً ارزان در جهت انباشت سرمایه، صادرات و اشتغال آفرینی استفاده نماییم. در این میان صادرات نفت و واردات بنزین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. اخیراً اتحادیه اروپا یک تحریم نفتی را علیه ایران در نظر گرفته که از ماه جولای آینده به مرحله اجرا درخواهد آمد و بر این اساس هیچ کشور اروپایی نمی تواند نفت از ایران وارد کند.

تحریم علیه ایران از جانب کشورهای غربی و در جهت توقف در پیشرفت برنامه اتمی ایران شکل گرفت. این

تصویب رسانده است که به طور مرتب، تشدید شده است.

غرب امیدوار بود که با تصویب این قطعنامه ها بتواند ایران را به همکاری بیشتر وادار کند، اما موفقیتی به دست نیاورد. ایران به خوبی می تواند با خود کفایی در تولید فرآورده های نفتی خود را از عواقب تحریم های غرب برهاند. در این مقاله نگاهی خواهیم داشت به تاثیر تحریم های اقتصادی بر خودکفایی در تولید فرآورده های نفتی

تحریم ها تاکنون نتوانسته بر روی برنامه صلح آمیز اتمی ایران تاثیرگذار باشد، این تحریم ها در زمینه های اقتصادی، علمی، سیاسی و فروش سلاح و مهمات می باشد. این تحریم ها صنایع نفت و گاز ایران را نیز شامل می شود.

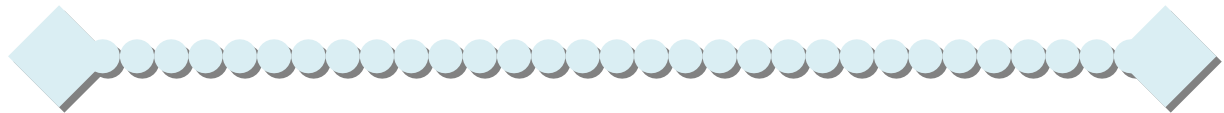
ایران به خوبی می تواند خود را از پیامدهای تحریم نفتی غربی ها برهاند. این تصمیم برای تحریم ایران شدیدترین تحریمی است که تا به حال اروپا علیه ایران به تصویب رسانده است. شورای امنیت سازمان ملل از سال 2006 کلا چهار دوره تحریم را علیه ایران به



تاثیر تحریم های اقتصادی بر خودکفایی در تولید بنزین:

دارد. هم اکنون با هدف خودکفایی در تامین بنزین کشور در بارگیری پتروشیمی ها نیز تغییراتی ایجاد شده است. در حال حاضر میانگین مصرف روزانه بنزین کشور در حدود ۶۲ تا ۶۴ میلیون لیتر است و این در حالی است که حدود روزانه ۴۵ میلیون لیتر بنزین در داخل تولید و بقیه بنزین مورد نیاز وارد می شود. با اجرای طرح ض ربتی تولید بنزین قادر خواهیم بود بنزین مورد نیاز کشور را در مجتمع های پتروشیمی و بدون نیاز به واردات، تولید کنیم. تا سال آینده با بهره برداری از سه طرح مهم بنزین سازی در پالایشگاه ها از واردات بنزین بی نیاز خواهیم شد. با اجرای این طرح در کشور، روزانه حد ۲۲ و ۲۴ میلیون لیتر بنزین به ظرفیت تولید پالایشگاه ها افزوده می شود. این رقم با توجه به میزان مصرف و نیاز کشور بین ۱۸ تا ۲۲ میلیون لیتر در روز متغیر است.

با تولید روزانه حدود ۱۴ میلیون لیتر در مجتمع های پتروشیمی و هشت میلیون لیتر از طریق تبدیل نفت سبک در پالایشگاه ها، مجموع ظرفیت تولید بنزین روزانه کشور به ۶۶ میلیون و هزار لیتر رسید. در خصوص مصوبه اخیر اتحادیه اروپا و دولت آمریکا برای تشدید تحریم ها بر ضد ایران می توان گفت: این تحریم ها هیچگونه تاثیری در تامین سوخت مورد نیاز کشور ندارد و تمهیدات لازم برای مقابله با هرگونه محدودیت در فروش بنزین در کشور به کار گرفته شده است. از اواخر مرداد امسال برای تامین بنزین مورد نیاز کشور، طرح تولید ضربتی بنزین در مجتمع های پتروشیمی دوباره بررسی و ظرفیت تولید بنزین کشور هم اکنون از حدود روزانه ۴۵ میلیون لیتر به روزانه ۶۶ میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر رسیده است که این مهم قطع نیاز به واردات این فرآورده راهبردی را در پی



تاثیر تحریم های اقتصادی بر خودکفایی در تولید فرآورده های پتروشیمی:

خارجی محصولات پتروشیمی ایجاد نکرده است. برخی از محصولات پتروشیمی تولیدی این مجتمع ها در داخل کشور مصرف داشته است و با توجه به این امر نیاز بازار های داخلی و صنایع پایین دستی (تبدیلی) همچون گذشته تامین می شود و در روند تامین نیاز آنها هیچ مشکلی ایجاد نخواهد شد. در عرضه محصولات پتروشیمی به بازارهای صادراتی به گونه ای عمل می شود که در صورت نیاز داخلی، امکان تغییر اولویت های صادراتی وجود

هدف اصلی شرکت ملی صنایع پتروشیمی در مرحله نخست تامین نیاز کشور به محصولات پتروشیمی و تکمیل زنجیره ارزش تولید این محصولات است، نه صادرات آنها. به این ترتیب اجرای طرح تولید ضربتی تولید بنزین در مجتمع های پتروشیمی کشور نیز به عنوان یکی از نیاز های فعلی کشور در اولویت کاری این شرکت قرار گرفته است. اجرای این طرح در مجتمع های پتروشیمی کشور محدودیتی برای بازارهای داخلی و

در کنار تولید پالایشگاه های نفت می تواند پاسخگوی نیاز مردم به این فرآورده باشد. واحد های پتروشیمی برای تامین سوخت مورد نیاز کشور پتانسیل و ظرفیت خوبی دارند و می توان از این ظرفیتها در جهت تامین نیازهای داخلی به صورت بهینه استفاده کرد.

داشته و با توجه به این انعطاف پذیری بازارهای صادراتی محصولات پتروشیمی تحت تاثیر و آسیب قرار نخواهند گرفت. در صورتی که خوراک کافی از سوی واحدهای پالایشگاهی در اختیار مجتمع های پتروشیمی قرار بگیرد، این مجتمع ها توانایی افزایش تولید بنزین را هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی دارند. تولید پتروشیمی ها

تاثیر تحریم های اقتصادی بر خودکفایی در تولید نفت سفید و نفت گاز و نفت کوره:



گاز نیز در حال حاضر یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون لیتر از این فرآورده در انبارهای نفت و یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون لیتر آن در نیروگاه ها ذخیره شده است. میزان ذخیره نفت کوره را در حال حاضر ۹۵۴ میلیون لیتر می باشد که ۹۰ درصد ظرفیت تکمیل ذخیره سازی آن است. میانگین مصرف روزانه بنزین موتور از ابتدای سال جاری تاکنون ۶۴ میلیون و ۱۰۰ هزار لیتر بوده که نسبت به زמן مشابه سال گذشته با میانگین مصرف روزانه ۶۶ میلیون و ۲۰۰

با برنامه ریزی های صورت گرفته و در صورت نیاز برای افزایش تولید بنزین، مجتمع های پتروشیمی کشور آمادگی تامین سوخت مورد نیاز را دارند. همچنین محدودیتی در خصوص عرضه بنزین موتور در کشور وجود ندارد و در آینده نیز مشکلی در این راستا تحمیل نخواهد شد. میزان ذخیره فعلی نفت سفید کشور یک میلیارد و ۸۵۰ میلیون لیتر می باشد که ۸۰ درصد ظرفیت ذخیره سازی این فرآورده است. در خصوص وضعیت ذخیره نفت

۱۰۰ هزار لیتر بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته با مصرف ۸۱ میلیون و ۱۰۰ هزار لیتر در روز افزایش هفت میلیون لیتری را نشان می دهد که علت عمده آن ورود تمام نیروگاه ها به مدار برای تولید برق بوده است.

هزار لیتر ، حدود ۲ میلیون لیتر کاهش را نشان می دهد . میانگین مصرف روزانه نفت سفید از ابتدای سال جاری تاکنون هفت میلیون لیتر بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲ میلیون لیتر کاهش دارد، میانگین مصرف روزانه نفت گاز از ابتدای سال جاری تاکنون ۸۸ میلیون و

تاثیر تحریم های اقتصادی در زمینه تولید گاز طبیعی:

این حامل انرژی را به وسیله خط لوله برای ایران ایجاد کند .

دستیابی به فرآیند دانش ال ان جی در ظرفیت های بالا با اجرای طرح پژوهشی 'دستیابی به دانش مایع سازی گاز طبیعی ' محقق خواهد شد . شرایط جغرافیایی و برخورداری از ذخایر قابل توجه گاز، به طور حتم در یک افق بلند مدت و دیدی استراتژیک، کشورمان را در موقعیتی ممتاز و کم نظیر قرار خواهد داد .

ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز جهان، همچنین به لحاظ موقعیت جغرافیایی مناسب (قرار داشتن میان دو بازار مصرف گاز یعنی چین و اروپا) می تواند با مدیریت زمان و برنامه ریزی های بلند مدت، علاوه بر صادرات با خط لوله در بازار 'ال ان جی' نیز حضوری فعال داشته باشد .

حضور در بازار 'ال ان جی' ضمن افزایش قدرت چانه زنی در بازار، می تواند شرایط بهتری در مذاکرات صادرات

وضعیت کنونی فناوری صنایع نفت و پتروشیمی در ایران:

توانسته اند با وجود عمر کوتاه ولی با استفاده از تکنیک های جدید، صادرکننده تکنولوژی شده و دیگر کشورها را به خود وابسته کنند . بر این اساس صنعت نفت ایران می تواند با به کار گیری تکنولوژیهای نوین، فاکتورهای ضریب ازدیاد برداشت، کیفیت برداشت، استخراج اقتصادی از مخازن نفت و گاز، روشهای انتقال، تبدیل مواد خام به محصولات با ارزش افزوده بالا را ارتقا داده و درآمد بیشتری را برای کشور به همراه آورد. به لحاظ تاریخی، صنعت نفت کشورمان طوری طراحی

به زودی ایران به جمع کشورهای صادرکننده فناوری صنایع نفت و گاز تبدیل می شود . مدیریت تکنولوژی می تواند دوره گذار از مرحله عملیات محوری و تولید محوری کنونی صنعت نفت به مرحله دانش محوری و فناوری محوری را آسان کند . در حال حاضر صنعت نفت عمدتاً صادرکننده نفت و برخی فرآورده های نفتی است که با اجرای صحیح مدیریت فناوری می توانیم صادرکننده فناوری های نوین باشیم . صنعت نفت یک صنعت تکنولوژی محور است و هرچه مدیریت فناوری پیشرفته تر باشد، وابستگی کشور به خارج کمتر خواهد بود، بسیاری از صنایع در جهان

شده که قابلیت به کارگیری فناوریهای نوین را دارد، بنابراین از نظر کاربرد فناوریهای دنیا مشکلی وجود ندارد.

مهم ترین کاری که اکنون باید در صنعت نفت پیگیری شود بحث گذر از تحریم هاست . به گزارش خبرنگار ایلنا، رستم قاسمی وزیر نفت در مراسم رونمایی از چهار کاتالیست بومی شده صنعت پتروشیمی با بیان اینکه مردم، دانشمندان و سازندگان ما ثابت کرده اند که توان مقابله با تحریم ها را دارند اظهار داشت: علیرغم گام هایی که در صنعت نفت و به خصوص در بخش پتروشیمی طی سال های گذشته برداشته شده، به نظر می رسد همچنان به کار و تلاش بیشتری نیاز است

وی پتروشیمی را یک صنعت توسعه ای در دنیا و کشور دانست و یادآوری کرد: این صنعت به لحاظ ویژگی های خاص خود یک صنعت توسعه ای است زیرا می تواند در اشتغالزایی و همچنین درآمد سرانه ملی کشور تغییرات رو

به رشدی را ایجاد کند . به گفته وزیر نفت امروزه خصوصی سازی یکی از راه کارهای جدی توسعه های اقتصادی کشور است اما به عقیده ما در خصوص بعضی از شرکت ها از جمله شرکت پژوهش و فناوری پتروشیمی تلاش خواهیم کرد که این شرکت همچنان در جایگاه حاکمیت خود باقی بماند و بتواند نیازهای بخش خصوصی را تامین کند . قاسمی بر توسعه میادین مشترک نفتی تاکید کرد و افزود: برنامه ریزی های متعددی برای توسعه میادین مشترک داریم و تا پایان سال در برداشت از میدان های مشترک حداقل به تعادل خواهیم رسید

وزیر نفت با اشاره به اینکه باید به کارهای پژوهش و فناوری بیشتر با رویکرد نتیجه ای نگه شود تا هزینه ای، تصریح کرد: امروزه دستیابی به لایسنس و دانش فنی تکنولوژی های مورد نیاز، ابزار قدرت کشورها محسوب می شود و در کشور ما ثابت شده که رسیدن به این اهداف امکان پذیر است .

مهمترین اقدامات دولت برای بی اثر کردن تحریم های بنزین:

تا ۶ ماه آینده با افزایش ظرفیت پالایشگاه های نفت کشور تولید بنزین کشور به ۵۷ میلیون لیتر در روز (حدود ۱۰ درصد) افزایش خواهد یافت . ایران می تواند با مدیریت مصرف انرژی به اهداف اقتصادی تعیین شده در سند چشم انداز دست یابد. : مصرف بنزین در سال ۸۵ در کشور حدود ۷۵ میلیون لیتر در روز بوده است که با اجرای طرح سهمیه بندی بنزین و اقدامات فرهنگی

صورت گرفته هم اکنون مصرف این حامل انرژی به کمتر از ۶۳ میلیون لیتر در روز و معادل ۱۴ درصد کاهش یافته است. با توجه به افزایش ۴ میلیونی تعداد خودرو و دو میلیونی موتورسیکلت از سال ۸۵ تا کنون ، با وجود افزایش تعداد خودروها و موتورسیکلت ها در کشور مصرف بنزین بیش از ۱۳ درصد در کشور کاهش یافته است. سهم یارانه انرژی ارائه شده به بخش حمل و نقل

کشور ۴۲ درصد، بخش صنعت ۱۶ درصد، کشاورزی ۱۴ درصد اختصاص داده از این رو مدیریت مصرف انرژی در این بخش در سال های آینده ضروری است.

درصن و خانگی ۳۰ درصد است و همان طور که مشاهده می شود بخش حمل و نقل بیشترین یارانه کشور را به

پیشنهادات:

با توجه به آنچه که گفته شد در کشور ما باید با هدف افزایش سریع صادرات، از مزیت مطلق کشور در زمینه انرژی، نیروی انسانی و مواد اولیه استفاده نموده و نسبت به گسترش صنایع سنگین انرژی اقدام نماییم.

در این راستا تمرکز و توجه مدیریت اقتصاد کشور می بایست در جهت توسعه صنایع پتروشیمی، ایجاد پالایشگاه های جدیخ، احداث نیروگاه و گسترش صنایع انرژی بر نظیر فولاد، آلومینیوم، سیمان و شیشه به جای صنایع کوچک زود بازده قرار بگیرد.

مزیت ما در صنایع انرژی بر به خاطر هزینه های گران انتقال گاز توسط لوله به سایر کشورها و یا تبدیل آن به LNG است. بنابراین می بایست سیاست صدور گاز و نفت را به سیاست تبدیل نفت و گاز به فرآورده و صادرات آن تغییر داده و از این مزیت خدادادی حداکثر استفاده را در توسعه اقتصادی کشور به عمل آوریم.

نتیجه گیری:

در باره اثر تحریم ها بر صنعت نفت ضمن بی اثر دانستن این تحریم ها می توان گفت: بخش عمده تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت هم اکنون توسط سازندگان داخلی تامین می شود و با روابطی که امروز میان وزارت نفت و انجمن سازندگان صنعت نفت وجود دارد خیلی زود به این خودکفایی دست خواهیم یافت و امید آنست که در آینده ای نه چندان دور ما به خود کفایی کامل در این زمینه رسیده و تحریم های نفتی را بر علیه کشورمان خنثی کنیم.

در نتیجه می توان گفت که خط تحریم ایران شکسته است و تحریم ایران بی نتیجه بوده و اثر نخواهد داشت و تنها راه باقی مانده برای دول غربی مذاکره با ایران است و آنها بایستی با پذیرفتن حقوق ایران، نسبت به رفع نگرانی ها و ابهامات و توهامات خود اقدام کنند.

منابع و مأخذ:

۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی www.irna.ir

۲ - خبرگزاری مهر www.mehrnews.ir

۳ - خبرگزاری فارس www.farsnews.com

۴ - اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفت، گاز، پتروشیمی www.opex.ir

۵ - شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی ایران www.niopdc.ir

۶ - www.portalekhabar.com

بررسی عوامل موثر بر بروز نوسانات نرخ ارز در ایران

هانیه دودمانی ملکی
شهر ملکان

چکیده

هدف از این مقاله مروری بر بررسی عوامل موثر بر نوسانات نرخ ارز در ایران است. برای این منظور ابتدا تعریفی از نرخ ارز ارائه و مفاهیم مرتبط با آن از جمله نرخ مؤثر واقعی ارز، نرخ واقعی خارجی ارز، نرخ واقعی داخلی ارز، نرخ واقعی داخلی ارز دوکالایی، و نرخ واقعی داخلی ارز سه کالایی بازنمایی می شوند. سپس ارائه تاریخچه ای از نوسانات نرخ ارز در ایران درباره عواملی چون تراز پرداخت، استقرار خارجی، انتظاری برای آینده، تورم، عوامل اقتصادی، سیاستهای اقتصادی، عوامل غیراقتصادی، نرخ واقعی تعادلی ارز، رابطه مبادله و سیاست خارجی، مخارج مصرفی دولت، سهم سرمایه گذاری، نرخ رشد تولید یا ناخالص داخلی حقیقی، جریان سرمایه به داخل، و ذخایر بانک مرکزی که می توانند بر نوسانات نرخ ارز در ایران تاثیر داشته باشند توضیحاتی ارائه می شود.

۱. مقدمه

نرخ واقعی ارز در هر کشور بدون شک از شاخصهای اساسی و بنیادین در تعیین درجه رقابت بین المللی و تبیین وضعیت داخلی اقتصاد آن کشور به شمار می رود. آشفتگی و نوسان در عملکرد این شاخص از یک طرف مبین عدم تعادل در اقتصاد و از سوی دیگر علت بی ثباتی بیشتر محسوب می شود. مطالعات به عمل آمده در کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که تغییرات تعدیل نشده در متغیرهای ساختاری به همراه سیاستهای ناسازگار پولی و مالی دولتها موجب بروز فاصله بین نرخ واقعی ارز تحقق یافته از مقادیر تعادلی آن می گردد. این مطالعات ضمن برآورد میزان این انحراف به چگونگی تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی این کشورها پرداخته و نشان می دهد که یک رابطه منفی قوی بین شاخصهای عملکرد اقتصادی و میزان عدم تعادل نرخ واقعی ارز در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. از این رو تحلیل رفتار نرخ واقعی ارز و شناسایی عوامل تعیین کننده آن به منظور تدوین سیاستهایی برای تعدیل این شاخص همواره توجه کارشناسان و سیاستگذاران اقتصادی را به خود معطوف داشته است. با توجه به اهمیت این مسایل در این مقاله سعی خواهد شد ضمن ارائه تاریخچه و تعریفی از نظام تبادلات بین المللی مالی و نرخ ارز و مفاهیم مرتبط با آن ضمن بررسی متون مؤثر اقتصادی و غیراقتصادی که می توانند بر نوسانات نرخ ارز موثر باشند تشریح شوند.

جهانی دوم و بلافاصله بعد از آن، بسیاری از کشورهای عمده فعال در قلمرو تجارت، خاصیت قابل تجزیه بودن پول خود را به سایر ارزها از دست دادند و دلار تنها ارز عمده جهان بازرگانی بود که آزادانه تبدیل می‌شد (مشتاق، ۱۳۷۹، ۵۹). از این زمان به بعد بود که به تدریج مفهومی تحت عنوان نرخ ارز مورد توجه واقع شد. برای آشنایی بیشتر با این مفهوم ابتدا تعریفی از آن ارائه می‌شود.

۳. تعریف نرخ ارز

نرخ ارز را می‌توان به عنوان قیمت واحد پول ملی بر حسب پول خارجی (ارز) تعریف کرد. عرضه و تقاضا در بازارهای بورس منجر به ایجاد نرخ اسمی ارز در یک نقطه زمانی می‌شود. به عنوان مثال وقتی تقاضا و عرضه در بازار بورس انتقال یابند، بسته به سیستم ارزی کشور، ممکن است نرخ ارز تغییر کند. البته عوامل دیگری نیز می‌توانند در این زمینه موثر باشند. از جمله نرخ پول خارجی، افزایش نرخ یا قیمت ارز، یعنی تقویت ارزش رسمی پول (Appreciation) و کاهش آن، یعنی تضعیف ارزش رسمی پول (Depreciation). در واقع، به دلیل اینکه نرخ ارز به تعداد واحدهای پول ملی در هر واحد از پول خارجی تعریف می‌شود، در این صورت، تقویت ارزش رسمی پول ملی باید با کاهش نرخ ارز، و تضعیف آن با افزایش نرخ ارز مشخص شود. البته با توجه به گستردگی بحث نرخ ارز تعاریف مختلفی از آن در بسترهای مختلف ارائه شده است که در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود.

۳.۱. نرخ مؤثر واقعی ارز

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های مربوط به نرخ ارز نرخ مؤثر واقعی ارز است. این نرخ شاخص نرخ مؤثر ارز یک شاخص اسمی است و به صورت متوسط نرخ‌های ارز دوگانه اسمی محاسبه می‌شود. شاخص نرخ مؤثر ارز میزان رقابت‌پذیری خارجی یک کشور را اندازه‌گیری می‌کند. بنابراین، شاخص اسمی باید برای انتقالات در قیمت‌ها یا هزینه‌های داخل کشور نسبت به خارج کشور تعدیل شود. شاخص مؤثر واقعی ممکن است به عنوان شاخص قیمت‌های نسبی - قیمت‌ها داخلی نسبت به متوسط قیمت‌های یک گروه از کشورها - در نظر گرفته شود. این شاخص، همچنین، برای انتقالات نرخ اسمی ارز تعدیل می‌شود. در واقع، این تعریف معادل با شاخص قیمت‌های نسبی است که بر حسب پول رایج مشترک بیان می‌شود. بنابراین، با فرض این نکته که نرخ‌های ارز

۲. تاریخچه نظام بین‌المللی مبادلات پولی

از حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، یعنی از دوران فرمانروایی فرعون در مصر، طلا به عنوان واسطه‌ای برای تبدیل کالا و معاملات به کار گرفته می‌شد. ایرانیان، یونانیان و رومی‌ها نیز سکه‌های طلا را به عنوان واسطه مبادلات به کار می‌بردند و این سنت قرن نوزدهم میلادی نیز ادامه یافت. اما افزایش عظیم حجم تجارت در طی دوران تجارت آزاد در اواخر قرن نوزدهم میلادی نیاز به ایجاد یک نظام رسمی برای موازنه بازرگانی را فراهم آورد. گرچه در آن هنگام موافقتنامه‌های چند جانبه‌ای مانند آن چه امروزه مرسوم است، وجود نداشت، لیکن کشورها یکی پس از دیگری ارزش معینی را برای پول خود در برابر طلا تعیین کردند که به آن "نرخ برابری (Per Value)" می‌گویند و این خود سبب ایجاد مقرراتی شد که بعدها اصطلاحاً آن را "پایه طلا (Gold Standard)" خواندند. این پایه طلا تا جنگ جهانی اول که پایه تجارت دنیا را دگرگون ساخت، به خوبی عمل می‌کرد و از آن پس، کشورهای جهان تجارت عملیات پایه طلا را متوقف کردند (مشتاق، ۱۳۷۹، ۵۸).

طی جنگ جهانی اول و اوایل دهه ۱۹۲۰ ارزهای مختلف می‌توانستند نسبت به طلا در برابر یکدیگر نوسانات شدیدی داشته باشند. از نظر تئوری، انتظار می‌رفت که عرضه و تقاضا برای صادرات و واردات یک کشور تغییرات مناسبی را در نرخ ارز آن کشور به وجود آورند. این، وظیفه‌ای بود که در سیستم قبلی "پایه طلا" به عهده طلا گذاشته شده بود، ولی متأسفانه نظام نرخ‌های متغیر نتوانست حالت متعادل را به وجود آورد. برعکس، سوداگران و صرافان بین‌المللی با فروش و عرضه ارزهای ضعیف، سبب سقوط آنها بیشتر از حدی که عوامل واقعی اقتصاد آن را تعیین می‌نمودند، می‌شدند، در حالی که عکس عمل فوق را برای ارزیهای قوی به کار می‌بردند، یعنی با خریدن و عرضه نکردن آنها سبب صعود غیر منطقی نرخ آنها می‌شدند و نتیجه این شد که طی دهه ۱۹۲۰ حجم تجارت جهان به نسبت تولید ناخالص ملی جهانی افزایش نیافت و چنان نزول کرد که در آخر سبب بروز رکود سخت و طولانی دهه ۱۹۳۰ شد. سپس، از سال ۱۹۳۴ تا پایان جنگ جهانی دوم، نرخ هر ارز از نظر تئوری به وسیله ارزش برابری آن با طلا معلوم می‌شد، ولی فقط دلار قابل تبدیل به طلا بود. در طول جنگ

تولیدکننده کالاهای قابل مبادله و ارزش یک واحد صادرات (ابریشمی، و رحیمی، ۴، ۱۳۸۳).

۳.۳. نرخ واقعی داخلی ارز

مفهوم دیگر مطرح در این زمینه نرخ واقعی داخلی ارز است. به این مفهوم که در چارچوب کشورهای در حال توسعه، به لحاظ نظری، ترجیح بر این است که به جای نرخ واقعی خارجی ارز، از نرخ واقعی داخلی ارز (IRER) استفاده شود. از این رو نرخ واقعی داخلی ارز به دو روش دو کالایی و سه کالایی تعریف می‌شود (ابریشمی، و رحیمی، ۵، ۱۳۸۳).

۳.۴. نرخ واقعی داخلی ارز - دو کالایی

چنانکه ذکر شد نرخ واقعی داخلی ارز به صورت نسبتی از قیمت کالاهای قابل مبادله به قیمت کالاهای غیرقابل مبادله در داخل کشور تعریف می‌شود. ضعف عمده این روش این است که در عمل برای کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله مرز ثابت و مشخصی وجود ندارد تا بتوان شاخص قیمت آنها را محاسبه نمود. در مواردی که رابطه مبادله و سیاست های تجاری کشور از ثبات لازم برخوردار باشند، می‌توان از شاخص قیمت عمده فروشی (WPI) کشور طرف تجاری به عنوان جانشینی برای شاخص قیمت کالاهای قابل مبادله و از شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) داخلی، به عنوان جانشینی برای شاخص قیمت کالاهای غیرقابل مبادله استفاده نمود. برخی از اقتصاددانان تأکید کرده‌اند که در کشورهای در حال توسعه که اغلب آنها صادرکننده مواد خام و اولیه هستند، به دلیل اینکه شاخص قیمت صادرات و در نتیجه رابطه مبادله آنها دارای نوسانات زیادی است و نیز در مواردی که سیاست های تجاری در حال تغییر هستند، مناسب است که به جای نرخ واقعی داخلی ارز دو کالایی از نرخ واقعی داخلی ارز سه کالایی استفاده شود (Hinkel & Nsengiyumva, 12, 1999).

به عنوان قیمت واحد پول ملی بر حسب پول خارجی بیان شوند، افزایش شاخص نرخ مؤثر واقعی ارز یک کشور، یا افزایش شاخص قیمت مؤثرش که برای انتقالات نرخ اسمی ارز تعدیل می‌شود، نمایانگر بدتر شدن شرایط رقابت پذیری یک کشور است. در مقابل، کاهش نرخ مؤثر واقعی ارز یک کشور - تضعیف واقعی ارزش رسمی پول - یا کاهش شاخص قیمت مؤثر آن نمایانگر بهبود رقابت پذیری آن کشور است (تعریف نرخ ارز، ۴۷، ۱۳۸۱).

۳.۲. نرخ واقعی خارجی ارز

مفهوم دیگر مطرح نرخ واقعی خارجی ارز است. در کشورهای صنعتی، اقتصاددانان برای دستیابی به اهداف نظری و تجربی خود، بیشتر روی مفهوم نرخ واقعی خارجی ارز (ERER) تمرکز نمودند. این نرخ به صورت نسبتی از شاخص قیمت کالاهای خارجی به شاخص قیمت کالاهای داخلی تعریف می‌شود که در آن PG_f شاخص قیمت کالاهای خارجی، PG_d شاخص قیمت کالاهای داخلی و E نرخ اسمی ارز (ارزش یک واحد پول خارجی بر حسب پول داخلی) می‌باشد. سه معیار مختلف برای اندازه‌گیری نرخ واقعی خارجی ارز وجود دارد. معیار اول براساس نظریه برابری قدرت خرید (PPP) مخارج نسبی است که در آن از شاخص قیمت مصرف کننده (CPI) دو کشور طرف تجاری، استفاده می‌شود. معیار دوم براساس مدل ماندل -

فلمینگ یا کل هزینه تولید می‌باشد. این روش شاخص ضمنی تولید ناخالص داخلی (GDP) را بکار می‌برد. معیار سوم، معیار کالاهای قابل مبادله است. این معیار، چهار شاخص مختلف قیمت را به عنوان جایگزین های احتمالی اندازه‌گیری رقابت پذیری در تولید کالاهای قابل مبادله در ادبیات مربوطه پیشنهاد می‌کند که این شاخص‌ها عبارتند از هزینه نیروی کار یک واحد تولید کالاهای قابل مبادله یا صنعتی، شاخص قیمت عمده فروشی WPI شاخص ضمنی ارزش افزوده بخش صنعت و سایر بخش های



آنها پیش از یکسان سازی ارز بود عرضه می شد. این مسئله به زیانهای شبه مالی فراوانی انجامید که جبران آنها نیازمند افزایش دارائیهای خالص داخلی بانک مرکزی بود.

با توجه به اهمیت نرخ ارز و نوسانات آن تحقیقات متعددی در این زمینه انجام داده اند. از جمله طاهری فرد، به تأثیر تغییرات درآمدهای نفتی بر نرخ واقعی ارز در ایران پرداخته است و نشان می دهد که افزایش درآمد حاصل از صدور نفت موجب کاهش نرخ واقعی ارز می گردد. سیاست افزایش مالیات بر واردات (با یک وقفه زمانی) و کاهش ارزش پول داخلی در مقایسه با سایر سناریوها بیشترین تأثیر را به ترتیب در کاهش و افزایش نرخ واقعی ارز طی دوره مورد بررسی داشته است. قاسملو، طبق الگوی تنظیمی توسط وی، عوامل تأثیرگذار بر تغییرات نرخ واقعی بالفعل ارز در ایران شامل شرایط تجاری، محدودیت های تجاری ایران، پیشرفت فن آوری در داخل، میزان درآمد واقعی نفت و میزان مازاد عرضه پول است. بررسی حسینی نیز نشان داده است که رفتار بلندمدت نرخ ارز واقعی در ایران بوسیله متغیرهایی نظیر نرخ مبادله خارجی، حجم مخارج دولت و تعرفه های وارداتی تعیین می شود و همچنین نشان داده شده که مهمترین عامل انحراف نرخ واقعی ارز از مسیر تعادلی وجود موانع تجاری و رشد بازار غیررسمی ارز در حجم وسیع است (حسینی، ۱۳۷۸، ۴۱).

با توجه به این مطالب می توان گفت که در کل نرخ واقعی ارز در هر دوره تحت تأثیر دو دسته عوامل قرار می گیرد. دسته اول عوامل اساسی هستند که تعیین کننده میزان تعادلی نرخ واقعی ارز می باشند. دسته دوم عوامل کوتاه مدت بوده که شامل سیاستهای پولی و مالی اقتصاد کلان می باشند. در صورتی که این سیاستهای پولی و مالی ناسازگار با عوامل اساسی اعمال گردند، موجب انحراف نرخ واقعی ارز از سطح تعادلی اش می گردد. پدیده نامیزانی نرخ واقعی ارز نیز به دو قسمت متمایز قابل تفکیک است:

(۱) نامیزانی ناشی از سیاست های ناسازگار اقتصاد کلان (نامیزانی نوع اول) که همان اختلاف بین نرخ واقعی بالفعل ارز (ARER) و نرخ واقعی تعادلی ارز (ERER) می باشد.

(۲) نامیزانی ساختاری (نامیزانی نوع دوم) که به مفهوم روند نزولی (ERER) می باشد. با توجه به نتایج تحقیق

۳.۵. نرخ واقعی داخلی ارز - سه کالایی

در چارچوب مفهوم سه کالایی نیز، سه بخش کالاهای قابل واردات، قابل صادرات و کالاهای غیرقابل مبادله وجود دارد. نسبت قیمت کالاهای صادراتی به قیمت کالاهای غیرقابل مبادله، نرخ واقعی داخلی ارز صادراتی (IRERX) و نسبت قیمت کالاهای وارداتی به کالاهای غیرقابل مبادله، نرخ واقعی داخلی ارز وارداتی (IRERM) نامیده می شود (ابریشمی و رحیمی، ۶، ۱۳۸۳).

۴. مطالعات انجام شده بر روی نرخ واقعی ارز در

ایران

پس از ارائه تعاریف و تاریخچه ای از وضعیت ارز در جهان در اینجا نکاتی در زمینه نرخ واقعی ارز در ایران ارائه می شود. بررسی ها نشان می دهند که سیاستهای نرخ ارز و ترتیبات نرخ ارز در ایران، قبل و پس از انقلاب با تحولات زیادی روبرو شده است. این نکته از دهه ۱۳۵۰ به بعد به وسیله یک نظام چند نرخ مشخص می شود که با مقررات ارزی و کنترلهای مربوط به واردات همراه بوده، به گونه ای که این مساله عواقب بسیار مهمی را برای اقتصاد و سیاستهای اقتصادی داشته است. تا پیش از بهار ۱۳۷۲، سه نرخ ارز رسمی؛ نرخ ارز پایه، رقابتی، و شناور، در نظام بانکی و بازار موازی ارز در خارج از نظام بانکی وجود داشت. نرخ ارز پایه برای درآمدهای حاصل از صادرات نفت، واردات مایحتاج اصلی، و بازپرداخت بدهیهای دولت به کار می رفت؛ «نرخ رقابتی در مورد واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای استفاده می شد که واجد شرایط استفاده از نرخ رسمی نبودند و نرخ ارز شناور نیز - که بانکها آن را با توجه به نرخ بارز موازی تعیین می کردند - در مورد مابقی معاملات در نظام بانکی اعمال می شد. در بهار ۱۳۷۲، این سه نرخ ارز رسمی به صورت یک نرخ واحد درآمد که ارز آن در مقایسه با سطح قبلی نرخها ی ارز رسمی پایه و رقابتی بسیار کمتر بود، این در حالی بود که برخی محدودیتهای ارزی برداشته شدند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نرخ جدید را به صورت روزانه و با توجه به نرخ بازار موازی تعیین می کرد. با این حال، نرخ یکسان شده به صورت جامع به کار گرفته نشد؛ زیرا ارز همچنان به نرخ پایه قبلی برای واردات کالاهای مورد نیاز؛ و برای بازپرداخت بدهیهای مشخصی که تاریخ عقد قراردادهای

چنانچه تورم در کشور «الف» در مقایسه با کشور «ب» با آهنگ بیشتری در حال رشد باشد، قیمت کالا در کشور «الف» به مرحله‌ای خواهد رسید که کشور مزبور برای این که از رکود صادرات خود جلوگیری کند، مجبور می‌شود که نرخ ارز خود را تضعیف نماید. حال، اگر میزان تورم در هر دو کشور برابر باشد، در این صورت، لازم است که شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی و عمده‌فروشی مورد بررسی قرار گیرند تا مشخص شود که ارز هر کشور در چه وضعیتی قرار دارد (مشتاق ۱۳۷۹).

۵-۵. عوامل اقتصادی

وقایع، رویدادها و سیاست‌های اقتصادی کشورهای دیگر که خارج از کنترل یک کشور داخلی باشد، می‌تواند تأثیرات بسزایی بر تراز پرداخت‌های کشور داخلی داشته باشد. انتقال در منحنی تقاضا در سطح بین المللی باعث افزایش تقاضا برای صادرات بومی و سنتی کشور می‌شود و به افزایش در حجم و قیمت این صادرات و سرانجام افزایش در ارزش پول کشور منتهی می‌شود.

۵-۶. سیاست‌های اقتصادی

سیاست‌های اقتصادی نیز عامل دیگری است که بر روی نرخ ارزها اثر می‌گذارد. این سیاست‌ها عبارتند از: ۱- رشد معقول عرضه پول، ۲- سیاست‌های مناسب مالی، ۳- خصوصیات دیپلماسی خارجی و فعالیت‌های نظامی، ۴- سرمایه‌گذاری در مقایسه با میزان نقدینگی.

سیاست‌های اقتصادی در هر کشور نیز می‌تواند تأثیرات مهمی بر تراز پرداخت‌های آن کشور بر جای بگذارد. برای مثال تحمیل یکسری از محدودیت‌های واردات جهت کاهش و کنترل آن و یا عدم اجازه خروج سرمایه از کشور، می‌تواند موجب افزایش ارزش پول گردد. عکس این سیاست‌ها نیز، ارزش پول کشور را کاهش می‌دهد. همچنین وقایع اقتصادی داخلی و سیاست‌های اقتصادی دولت نیز می‌تواند موجب تغییرات نرخ ارز گردند. بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر نرخ ارز واقعی در کشورهای مختلف بیشتر حاکی از این است که رشد حجم پول ارزش واقعی پول را پایین می‌آورد. افزایش هزینه‌های دولت در بخش کالاهای غیر تجاری موجب تقویت نرخ ارز واقعی می‌شود. کاهش کنترل‌های ارزی

حاضر نامیزانی نرخ واقعی ارز هم از نوع اول و هم از نوع دوم در ایران وجود دارد (نادری و لاشجردی، ۵۵، ۱۳۷۳).

۵. عوامل تاثیر گذار بر نوسانات نرخ ارز در ایران چنان که ذکر شد عوامل متعدد با توجه به سیاستها و وضعیت خاص یک کشور از جمله داخلی و خارجی می‌توانند بر نوسانات نرخ ارز موثر باشند که در این بحث به طور تفصیلی به آنها پرداخته می‌شود.

۵-۱. تراز پرداخت‌ها

تراز پرداخت‌های مثبت به معنی افزایش ذخایر ارزی است و چنانچه تراز پرداخت‌ها منفی باشد، به معنی کاهش ذخایر ارزی کشور است. هر گونه تغییر و تحول در وضع پرداخت‌ها تأثیر مستقیم روی نرخ ارز می‌گذارد. دارندگان ارز کشوری که تراز پرداخت‌هایشان رو به کاهش می‌رود، آن ارز را می‌فروشند و ارز معتبر دیگری را خریداری می‌کنند. بنابراین، عرضه این ارز در بازار زیاد می‌شود و نرخ آن نسبت به ارزهای دیگر کاهش می‌یابد.

۵-۲. استقرار خارجی

هر اندازه کشوری بیشتر مقروض باشد، نیازش به ارز خارجی برای پرداخت اصل و بهره بدهی‌ها بیشتر است. بنابراین، فشاری که روی ذخایر ارزی آن کشور وارد می‌شود، روی نرخ ارز آن کشور منتقل شده و آن را ضعیف می‌کند.

۵-۳. انظاری برای آینده: (Anticipation)

ممکن است نرخ ارزها بر اثر پیش‌بینی‌هایی که نسبت به وضعیت آنها می‌شود، تغییر کند. در صورتی که به نظر آنها ارز کشوری در آینده قوی می‌شود، صادرکنندگان کالا به آن کشور، صادرات خود را به تأخیر خواهند انداخت تا زمانی که ارز مزبور کاملاً قوی شده باشد و پس از آن، ارز حاصل از صادرات خود را در هنگام تبدیل به پول کشور خود با نرخ بهتری خواهند فروخت و پول بیشتری را دریافت خواهند کرد.

۵-۴. تورم

"قاسملو" (۱۳۷۷) در تحقیق خود به تبیین و توضیح تغییرات نرخ واقعی ارز در رابطه با عوامل اساسی و نیز مقطعی اقتصاد کلان (یا سیاستهای پولی و مالی) می‌پردازد و عوامل ایجاد انحراف نرخ واقعی ارز از مسیر تعادلی بلند مدت را مورد شناسایی قرار می‌دهد. آنگاه تأثیر این نوع انحراف را بطور جداگانه روی متغیرهای رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و صادرات؛ به ویژه صادرات غیر نفتی بررسی می‌کند. برای این منظور با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) و با کمک داده‌های سری زمانی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۷۴ معادلات مورد نظر را برآورد می‌کند، سپس با ثابت در نظر گرفتن عوامل سیاستهای پولی و مالی در معامله مورد برآورد، مسیر تعادلی نرخ واقعی ارز را طی دروه مورد بررسی به دست می‌آورد. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که عوامل تأثیرگذار بر تغییرات نرخ واقعی بالفعل ارز در ایران عبارتند از: شرایط تجاری، محدودیت‌های تجاری ایران، پیشرفت تکنولوژی در داخل، میزان درآمدهای واقعی نفت و میزان مازاد عرضه پول. همچنین نتایج مطالعه وی حاکی از این است که برای از بین بردن انحراف بین نرخ واقعی بالفعل ارز از مسیر تعادلی بلند مدت آن لازم است سیاستهایی چون کاهش ارزش اسمی پول داخلی به مرحله اجرا درآید تا آثار منفی این انحراف بر فعالیت‌ها و اقتصاد زایل شود. در ضمن موفقیت نسبی این سیاست بستگی به کنترل تورم ناشی از سیاستهای پولی و مالی دارد، در غیر این صورت تورم بالا موجب خنثی شدن سریع اثرات مثبت کاهش ارزش پول داخلی بر نرخ واقعی بالفعل ارز خواهد شد.

۵-۸. نرخ واقعی تعادلی ارز

در ادبیات اقتصادی، دو روش متفاوت برای تجزیه و تحلیل نرخ واقعی تعادلی ارز وجود داشته است. روش اول براساس فرم کسلاين از برابری قدرت خرید (PPP) می‌باشد که فرض می‌کند نرخ واقعی تعادلی ارز برای یک کشور در طول زمان ثابت می‌ماند؛ زیرا این طور در نظر گرفته می‌شود که نرخ‌های اسمی ارز به سرعت در جهت تعدیل هرگونه تفاوت قیمتی بین کشور مورد نظر و طرف تجاری‌اش حرکت می‌کند (البادوی و سوتو)، این روش به ندرت مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از دلایل

وتجاری نیز سبب کنترل ارزش نرخ ارز واقعی خواهد شد.

نتایج مطالعات در مورد عوامل اثرگذار بر نرخ ارز واقعی نشان می‌دهد که حجم پول، ترکیب هزینه‌های دولت و کسری بودجه دولت، تفاوت در بهره‌وری، شوک‌های رابطه مبادله، اصلاحات تعرفه‌ای و شوک‌های نفتی از جمله پارامترهای مهم در تعیین نرخ ارز قلمداد می‌شوند. در این زمینه هاکیکو (۱۹۹۶) بودجه دولت بر نرخ ارز را در هیجده کشور صنعتی طی دوره ۱۹۷۹-۹۴، با استفاده از داده‌های مقطعی مورد بررسی قرار داده است. نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی، کاهش کسری بودجه اثری مستقیم و غیر مستقیم بر روی تقاضای وجود دارد که از این طریق به تأثیرات متفاوتی بر روی نرخ ارز منجر خواهد شد. از یک طرف کاهش کسری بودجه از طریق کاهش تقاضای دولت برای برای وجوه، به تضعیف نرخ ارز می‌انجامد و از طرف دیگر به واسطه کاهش تورم انتظاری؛ کاهش ریسک حاصل از تغییرات نرخ ارز، و یا افزایش نرخ بازدهی پس از مالیات برای دارائیهای داخلی به تقویت نرخ ارز منجر می‌شود.

۵-۷. عوامل غیر اقتصادی

علاوه بر سیاستهای اقتصادی، رخدادهای سیاسی و عوامل روانی، نیز می‌تواند بر نرخ مبادله تأثیر بگذارند. به طور کلی مناقشات سیاسی، بر خوردهای نظامی، ناهنجاریهای اجتماعی و شایعات منفی، همگی می‌تواند ارزش پول کشور را کاهش دهند که نمونه‌های فراوانی را در چند دهه گذشته می‌توان در اقتصاد جهان یافت.

"آگاروال" در بررسی عوامل مؤثر بر نرخ ارز

هندوستان، شاخص قیمت‌های داخلی و خارجی، نرخ بهره و عرضه پول را به عنوان مهمترین متغیرهای تبیین‌کننده رفتار نرخ ارز معرفی می‌کند. نتایج برآورد مدل، دال بر تأثیر مثبت شاخص قیمت‌های داخلی و اثر منفی شاخص قیمت عمده فروشی خارجی (کشور آمریکا)، و نیز ارتباط معکوس بین نرخ ارز با نرخ بهره و عرضه پول از طریق قیمت‌های داخلی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که اجزای تراز پرداختها (تراز حساب جاری و سرمایه) و نیز ذخایر ارز خارجی از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر تغییرات نرخ ارز این کشور بوده است (صباغ کرمانی و شقاقی شهری، ۵۴، ۱۳۸۴).

گاهی اوقات اثر غیرمستقیم جانشینی ممکن است بر اثر مستقیم درآمدی غلبه نماید و منجر به این شود که تجزیه و تحلیل اثرات رابطه مبادله بیان شده در فوق، برعکس شود. به عنوان مثال، یک بهبود در رابطه مبادله ممکن است منابع ارزی کافی برای تولیدکنندگان کالاهای غیرتجاری در کشور را فراهم آورد. این افزایش، تولیدکنندگان را قادر می سازد که تولید خود از کالاهای غیرتجاری را افزایش دهند و بنابراین قیمت کالاهای غیرتجاری کاهش می یابد. اگر رابطه مبادله بدتر شود، تولیدکنندگان با محدودیت ارز و در نتیجه با محدودیت داده مواجه می شوند. محدودیت در داده، تولید کالاهای غیرتجاری را کاهش و قیمت آنها را افزایش می دهد و منجر به کاهش نرخ واقعی ارز می شود (بریشمی و رحیمی، ۱۶، ۱۳۸۳).

از همین نویسندگان، سیاست تجاری متغیر دیگری است که نرخ ارز را تحت تأثیر قرار می دهد. به عنوان مثال یک کاهش در تعرفه واردات می تواند قیمت داخلی واردات را که بخشی از کالاهای تجاری هستند، کاهش دهد که این می تواند به کاهش قیمت کالاهای تجاری برحسب پول رایج در داخل کشور منجر شود و در نتیجه نرخ واقعی ارز را کاهش دهد. همچنین یک افزایش در تعرفه های وارداتی می تواند اثر عکس داشته باشد، یعنی می تواند قیمت داخلی واردات را افزایش و در نتیجه نرخ واقعی ارز را افزایش دهد. پس تقاضا برای واردات و در نتیجه برای پول خارجی افزایش خواهد یافت و منجر به تضعیف پول ملی می شود.

۱۰-۵. مخارج مصرفی دولت

مخارج مصرفی دولت نیز نرخ واقعی ارز را تحت تأثیر قرار می دهد. این اثر بستگی به این دارد که آیا در مخارج مذکور، مصرف کالاهای تجاری بیشتر است یا کالاهای غیرتجاری. نرخ واقعی تعادلی ارز از دو طریق ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد. دوره اول ممکن است یک افزایش در تقاضا برای کالاها و خدمات مشاهده شود که منجر به یک افزایش در قیمت کالاهای غیرتجاری می شود. در نتیجه نرخ واقعی تعادلی ارز کاهش می یابد یا پول داخلی تقویت می شود. به هر حال، در دوره دوم ممکن است دولت برای پرداخت بهیبهایش مالیات ها را زیاد کند که این امر درآمد قابل تصرف را کاهش می دهد. بنابراین ممکن است این طور ذکر شود که این امکان وجود ندارد

کنار گذاشتن روش برابری قدرت خرید اکید کسلا این است که این روش در آزمون های تجربی رد شده است. هم اکنون توافق زیادی بر این موضع است که PPP به طور مطلق برقرار نمی باشد و بنابراین نرخ واقعی تعادلی ارز که بر اساس این روش تعیین می شود در طول زمان نمی تواند ثابت باشد (بریشمی و رحیمی، ۱۱، ۱۳۸۳).

۹-۵. رابطه مبادله و سیاست تجاری

رابطه مبادله به صورت نسبت شاخص قیمت صادرات به شاخص قیمت واردات تعریف می شود. اثر یک تغییر در رابطه مبادله بر روی نرخ واقعی ارز، به لحاظ تئوریک مبهم است. این ابهام به این دلیل است که ممکن است اثر مستقیم درآمدی از طریق تقاضا برای کالاهای غیرتجاری بر اثر غیرمستقیم جانشینی که از طریق عرضه کالاهای غیرتجاری عمل می کند، غلبه نماید. به عنوان مثال برای بیان اثر مستقیم درآمدی، فرض کنید قیمت



صادرات افزایش یابد و قیمت واردات ثابت باشد. این تغییر، درآمد کشوری که قیمت صادراتش افزایش یافته است را زیاد می کند (یک بهبود در رابطه مبادله). افزایش درآمد، تقاضا برای تمام کالاها از جمله تقاضا برای واردات و کالاهای غیرتجاری را افزایش می دهد. از آنجایی که قیمت واردات را داده شده فرض کردیم، افزایش تقاضا، قیمت واردات را تحت تأثیر قرار نخواهد داد. ولی به هر حال قیمت کالاهای غیرتجاری به دلیل افزایش تقاضا برای آنها، افزایش می یابد و بنابراین نرخ واقعی ارز کاهش می یابد و پول ملی تقویت می شود. اگر یک تضعیف در رابطه مبادله صورت بگیرد، ممکن است که نتیجه عکس به بار آورد و منجر به کاهش درآمد و تقاضا برای تمام کالاها شود و بنابراین منجر به افزایش نرخ واقعی ارز و کاهش قدرت پول ملی شود.

فن‌آوری بر روی عرضه، اثرات این بهبود بر روی تقاضا را خنثی نماید. بنابر این می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری نمود که بهبود فن‌آوری می‌تواند سبب افزایش یا کاهش نرخ واقعی ارزش شود. به‌طور معمول نرخ رشد تولید ناخالص حقیقی به‌عنوان جانشینی برای پیشرفت فن‌آوری مورد استفاده قرار می‌گیرد (ابریشمی و رحیمی، ۱۸، ۱۳۸۳).

۱۳-۵. جریان سرمایه به داخل

جریان سرمایه به داخل، قیمت نسبی کالاهای تجاری به کالاهای غیر تجاری و در نتیجه نرخ واقعی ارزش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال یک افزایش برون‌زا در جریان سرمایه به داخل می‌تواند تقاضا برای کالاهای غیر تجاری و در نتیجه قیمت آنها را افزایش دهد. این امر منجر به کاهش نرخ واقعی ارزش یا تقویت پول داخلی می‌شود (ابریشمی و رحیمی، ۱۹، ۱۳۸۳).

۱۴-۵. ذخایر بانک مرکزی

ذخایر بانک مرکزی دلالت بر توانایی این بانک در دفاع از پول رایج دارد. بر این اساس یک افزایش در ذخایر، منجر به تقویت پول داخلی یا کاهش نرخ واقعی ارزش می‌شود. در حالی که کاهش در این ذخایر، پول داخلی را تضعیف می‌کند و نرخ واقعی ارزش را افزایش می‌دهد (Aron & et.al, 1997).

که بتوان در همان ابتدا تأثیر تغییر در مخارج مصرفی دولت از کالاهای غیر تجاری را روی نرخ واقعی تعادلی ارزش بیان نمود. همین وضعیت در تجزیه و تحلیل اثر تغییرات در مصرف دولت از کالاهای تجاری

۱۱-۵. سهم سرمایه‌گذاری

اثر سهم سرمایه‌گذاری بر روی نرخ واقعی ارزش بستگی به این دارد که آیا چنین افزایشی، ترکیب مخارج از کالاهای تجاری و غیر تجاری را تغییر خواهد داد یا نه. اگر یک افزایش در سهم سرمایه‌گذاری از GDP، ترکیب مخارج را به سمت کالاهای تجاری تغییر دهد، منجر به تضعیف پول داخلی یا افزایش نرخ واقعی ارزش می‌شود (Baffes & et-al, 1999). و برعکس یک تغییر به سمت کالاهای غیر تجاری منجر به افزایش ارزش پول داخلی یا کاهش نرخ واقعی ارزش می‌شود (Edwards, 44, 1989).

۱۲-۵. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی

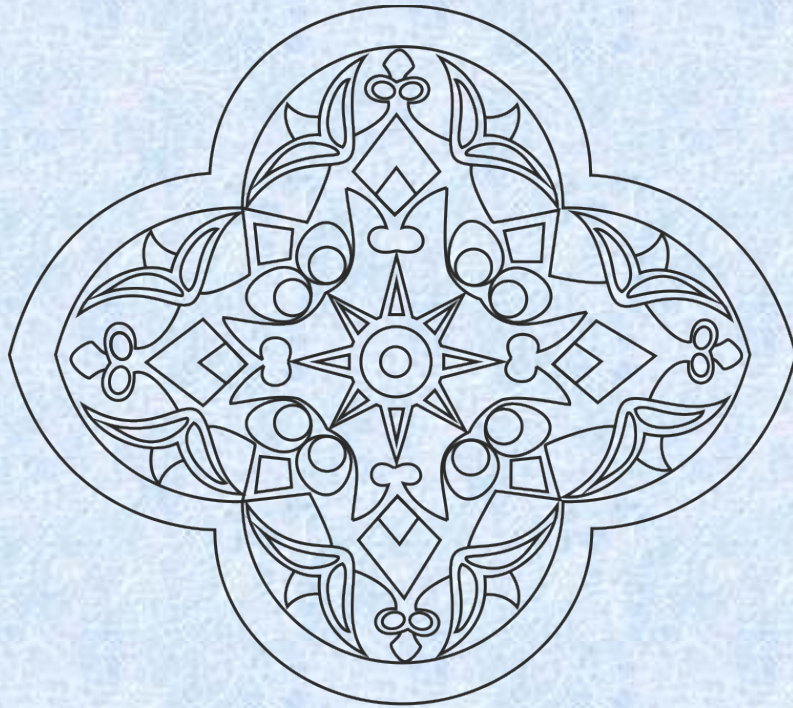
هر شوک مثبت بهره‌وری که اتفاق افتد، یک اثر مثبت بر روی درآمد دارد که منجر به اعمال فشار بر تقاضا برای کالاهای غیر تجاری می‌شود و در نتیجه قیمت این نوع کالاها افزایش یافته و بنابر این نرخ واقعی ارزش کاهش و یا پول داخلی تقویت می‌شود. بهبود فن‌آوری همچنین می‌تواند به افزایش نرخ واقعی ارزش منجر شود. این امر زمانی وقوع می‌کند که اثرات قویتر و بیشتر بهبود

۶. نتیجه‌گیری

تحلیل نتایج بدست آمده بیانگر این نکته است که در اقتصادهای مبتنی بر درآمدهای نفتی نظیر اقتصاد ایران، شوک مثبت رابطه مبادله سبب افزایش درآمدهای دولت و در نتیجه ایجاد مزاد بودجه دولت می‌گردد و نیل به این منظور نیز نیازمند افزایش نرخ ارزش است. در مورد کسری بودجه دولت نیز باید گفت که تقویت سیستم مالی دولت که با افزایش پس‌انداز ملی همراه است، نرخ بهره واقعی را کاهش داده و به تبع آن، نرخ واقعی ارزش را کاهش می‌دهد. در ضمن، در اقتصاد ایران، افزایش قیمت واقعی نفت افزایش ارزش پول داخلی را در پی خواهد داشت. در واقع این متغیر از طریق اثر گذاری بر قیمت کالاهای تجاری و متعاقب آن، کسری بودجه دولت بر نرخ ارزش تأثیرگذار است. متغیر سیاست پولی (حجم پول) نیز بر نرخ ارزش نقش مؤثری ایفا می‌کند. اجرای سیاست پولی در رژیم نرخ ارز واقعی ثابت، قیمت کالاهای غیر تجاری را با نرخ سریع تری در مقایسه با قیمت کالاهای وارداتی افزایش داده و به تبع آن، زوال حساب جاری و کاهش ذخایر خارجی را در پی خواهد داشت، و در نهایت نیز نرخ واقعی ارزش را افزایش خواهد داد. متغیر دارائیهای خارجی و محدودیتهای وارداتی نیز اثر کاهنده‌ای بر نرخ ارزش در ایران دارند. با این وجود نمی‌توان عوامل روانی چون تحریم‌ها، جنگ رسانه‌ای، افزایش سریع تقاضا برای تبدیل ریال به دلار را در وضعیت موجود ایران نادیده گرفت. چیزی که بحران ارزی سال ۱۳۹۰ نتیجه آن بود.

منابع و ماخذ

۱. ابریشمی، حمید و رحیمی، آزاده (۱۳۸۳). بررسی عوامل کوتاه مدت و بلند مدت تعیین کننده نرخ واقعی ارز در چارچوب سه کالایی: مورد مطالعه ایران. مجله پژوهش نامه بازرگانی - شماره ۳۰
۲. حسینی، روزبه (۱۳۷۸): تخمین نرخ ارز واقعی تعادلی: بررسی تعادل و نامیزانی در نرخ ارز، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه
۳. صباغ کرمانی، مجید؛ شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر نرخ ارز واقعی در ایران (رهیافت خود رگرسیون برداری). مجله پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۱۶.
۴. طاهری فرد، احسان (۱۳۷۸): تأثیر تغییرات درآمدهای نفتی بر نرخ واقعی ارز، مورد ایران (1360-1375)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی
۵. قاسملو، خلیل (۱۳۷۷): بررسی تأثیر انحراف نرخ واقعی ارز از سطح تعادلی بر متغیرهای کلان اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، به راهنمایی : محمدعلی کفایی.
۶. مشتاق، مصطفی (۱۳۷۹). تبدیلات ارزی و تعیین نرخ ارز. مجله بانک و اقتصاد، شماره ۱۲
۷. نادری، مرتضی و لاشجودی (۱۳۷۳): تجزیه و تحلیل نامیزانی نرخ واقعی ارز در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران
8. Aron, Janine, Elbadawi, Ibrahim A., and Kahn Brian, (1997); "Determinants of the Real Exchange Rate in South Africa", Centre for the Study of African Economies, WPS/97-16, CSAE Publishing, Oxford
9. Baffes, J., Lbrahim, A. Elbadawi, and Oconnell, S. A. (1999); "Single - Equation Estimation of The Equilibrium Real Echange Rate"
www.Worldbank.org/html/extph/exchrates/exchrates.htm
10. Edwards, S. (1989); "Real Exchange Rates, Devaluation And Adjustment Exchange Rate Policy In Developing Countries, Cambridge, Massachusetts: MIT Press London
Hinkel, L. E. & Nsengiyumva, F. (1999); "The Two-Good Internal RER for



تأثیر اقتصاد اسلامی در عدم وابستگی و رشد و توسعه اقتصادی

نویسندگان: رضا دهقانی - فاطمه کیوانی

چکیده مقاله :

ویژگی‌های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، که در شعار «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» خلاصه می‌شود راهنمای بسیار خوبی برای دولتمردان و دست‌اندرکاران نظام می‌باشد تا با الهام از افکار و اندیشه خاص مکتب اسلام و رهنمودهای همه جانبه ولایت فقیه، الگوی واقعی جامعه اسلامی را دریافته و در تعالی اقتصادی این سرزمین بکوشند تا در همه عرصه‌ها به خود کفایی دست یازیم. لذا توجه به مکتب اقتصادی اسلام در صدد تأمین این اهداف است.

اقتصاد واژه‌ای است که می‌تواند دو معنی داشته باشد: یکی مفهوم غربی آن می‌باشد که در این معنی آن را حد اکثر ارضای منابع کمیاب تولید، تعریف می‌کنند که

تقریباً مترادف آن فن معاش یا تدبیر در معیشت می‌توان تعبیر کرد.

اما در اسلام، در روایت مشهور از امام رضا (ع) نقل شده: «حسنُ التقدير فی معیشتة» «از شرایط کمال است. لیکن امروزه در اسلام این مفهوم با واژه اقتصاد استعمال می‌شود.

معنای دوم اقتصاد مأخوذ از عربی است به معنای اعتدال و میانه روی در دخل و صرف و توزیع پول و مال مطابق دستورات و احکام اسلام، که البته غریبها و حتی شرقیها این را به عنوان هدف تلقی نکرده و حتی نمی‌توانند در فکر و اندیشه خود این معنا را بپذیرند؛ زیرا جهان بینی آنها با اسلام مغایر است، لذا می‌گویند

خواهند رفاه عمومی بوجود آورند؛ اما از نظر اسلام
عالیترین و والاترین مقصودی که تمامی برنامه ها و
فعالیت‌های اقتصادی جهت نائل شدن به آن باید بسیج
شود، عدالت اجتماعی به معنای دقیق اسلامی آن می
باشد؛ زیرا از نظر اسلام توزیع مقدم بر تولید می باشد.
اهمیت انقلاب اسلامی ایران و ویژگی های خاص آن
در زمینه های اعتقادی، سیاسی و اقتصادی ایجاب می کند
تاخط مشی نظام کشور در محدوده قانونی جامع و کامل



تدوین و تنظیم شود تا همه اهداف و آرمانهای انقلاب
اسلامی و امام (ره) در پرتو آن از وضعیت بالقوه به صورت
بالفعل درآمده و همه نهاد‌های فرهنگی، اجتماعی - سیاسی
و اقتصادی نظام اسلامی تداوم پیدا کند.

ویژگی‌های اصلی این نظام که در شعار «استقلال، آزادی
و جمهوری اسلامی» خلاصه می شود راهنمای بسیار خوبی
برای دولتمردان و دست‌اندرکاران نظام می باشد تا با الهام
از افکار و اندیشه خاص مکتب اسلام و رهنمودهای همه
جانبه ولایت فقیه، الگوی واقعی جامعه اسلامی را دریافته

حداکثر ارضا و استفاده، و اسلام می گوید در حد اعتدال
و بیش از آن اسراف و حرام است.

بنابراین نگرش اسلام و کفر به اقتصاد مبتنی بر جهان
بینی است، کفار چون به جهان دیگر معتقد نیستند می
خواهند بهشت را در همین دنیا برای خود بسازند و آن را
هم در زیاده روی و لذت بردن می دانند. اما اسلام می
گوید خلقت انسان به گونه ای است که برای بقای حیات
باید غریز و تمایلاتش تعدیل شود، افراط در غریز به
استغنا و بعد به طغیان می رسد و تفریط در آن به فقر و
فقر هم چه بسا انسان را به کفر بکشاند؛ اسلام از امتش
به عنوان امت میانه رو یاد می کند و آنگاه او را به طرف
کمال که همان قرب الی ... است با برنامه ریزی احسن
اقتصادی رهنمون می شود.

لذا در مقاله پیش رو، با مفهوم نمایی واژگان و بیان
ضرورت و اهمیت تحقیق، اهداف تحقیق، فرضیه های
تحقیق به تبیین موضوع علم اقتصاد اسلامی؛ مفهوم و
ماهیت اقتصاد اسلامی؛ اصول اقتصادی امت اسلامی و
اهداف اقتصادی امت اسلامی برای نیل به عدم وابستگی
اقتصادی و فرهنگی به کشورهای دیگر پرداخته شده و
قبل از نتیجه گیری به بیان استقلال اقتصادی و عدم
وابستگی در آیات و روایات و آثار شوم وابستگی به
صورت مبسوط توضیح داده شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، اقتصاد سالم، اقتصاد اسلامی،
استقلال اقتصادی، امت اسلامی.

مقدمه:

معمولاً دولتها در برنامه ریزی اقتصادی جهت نیل به
هدفهای مطلوب، یا اولویت را به تحقق عدالت اجتماعی
می دهند و یا بوسیله رشد تولید و پیشرفت اقتصادی می

و در تعالی اقتصادی این سرزمین بکوشن د تا در همه عرصه ها به خود کفایی دست یازیم. لذا توجه به مکتب اقتصادی اسلام در صدد تأمین این اهداف است.

تبیین واژگان

اقتصاد: اقتصاد واژه ای است که می تواند دو معنی داشته باشد: اگر ترجمه واژه لاتین **Economic** باشد به همان معنای علم اقتصاد است که از دو قرن پیش به دلیل بوجود آمدن نیازها و امکانات جدیدی در زندگی انسان از زمان انقلاب صنعتی انگلستان در غرب بوجود آمده و به سرعت تکامل یافته و به شکل بسیار مدون حاوی تئوریهها و قوانین اقتصادی امروزی در آمده است: (۱) بنابراین اگر مقصود از واژه اقتصاد ترجمه واژه **Economic** و مفهوم غربی آن باشد آن را حد اکثر ارضای منابع کمیاب تولید، تعریف می کنند که تقریباً مترادف آن فن معاش یا تدبیر در معیشت می توان تعبیر کرد.

یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در اطراف کیفیت فعالیت و روابط اقتصادی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مزبور حکومت می کند و وسایلی که باید در عمل توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجبات سعادت و ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تأمین شود، بحث می کند. (۲)

اقتصاد دارای دو جنبه است:

- ۱- اقتصاد نظری: بررسی عوامل اقتصادی و کشف قوانین ثابت یعنی رابطه علت و معلولی بین عوامل مزبور است.
- ۲- اقتصاد عملی یا فنی: تطبیق قوانین اقتصادی با حقایق خارجی است تا در نتیجه روابط اقتصادی بر روی اصول

صحیح و منطقی و در عین حال عادلانه تری قرار گیرد؛ ولی اقتصاد عملی با استفاده از نتایج حاصله از قوانین اقتصادی، بهترین روشی را که باید برای بهبود اوضاع اقتصادی تعقیب شود نشان می دهد. (۳)

فعالیت اقتصادی: هریک از افراد برای تأمین زندگی خود و تهیه آنچه مورد نیاز و میل و آرزوی دیگران است؛ روزانه عملیاتی انجام می دهند که اگر عملیات مزبور از جهت نوع و کیفیت متفاوت باشند؛ ولی از لحاظ هدف نهایی یکسان بوده و هدف مشترک تمام این فعالیتها به طور مستقیم یا غیر مستقیم تأمین رفاه و سعادت می باشد (۴) و معنی کلان نیز چنین است که جامعه ها و کشورها دست به فعالیت اقتصادی می زنند تا به تعالی و توسعه دست یابند.

اقتصاد اسلامی: شهید صدر در «اقتصادنا» اقتصاد اسلامی را جزئی از مکتب اسلام معرفی کرده که قصد تغییر وضع موجود و انقلاب در حقوق و روابط اقتصادی دارد تا آن را به یک وضعیت سالم و عادلانه مبدل سازد. (۵) بنابراین هدف اقتصاد اسلامی، مکتب اقتصادی اسلام است که در آن راه و رسم اسلام در تنظیم زندگی اقتصادی جلوه گر شده است و دارای یک افق فکری و اصول نظری می باشد که از آن نظرات اخلاقی اسلام و نظرات علمی اقتصادی یا تاریخی آن نشأت می گیرد. (۶)

حجت الاسلام اراکی اقتصاد اسلامی را چنین آورده - اند: مجموعه ای از باید ها و نبایدها است که روابط اقتصادی جامعه را در جهت تحقق عدالت و آرمانهای متعالی زندگی انسانی هدایت کرده و سازمان می بخشد. (۷)

ضرورت و اهمیت تحقیق

توجه دقیق به مناسبات امروز جهانی و بشری بویژه مناسبات اقتصادی و گسترده‌ی امروزی و طرح موضوعات حیاتی در سطح وسیع، لزوم برقراری ارتباطات سریع و گسترده در جهان امروزی، بازشناسی و بازگشایی درهای اقتصادی و هویت‌های اسلامی و توجه به اقتصاد امت اسلامی و از همه مهم‌تر مسمی شدن سال ۱۳۹۰ با سال جهاد اقتصادی ضرورت و اهمیت تحقیق در این باره را روشن می‌سازد.

همچنین برای ارائه و بررسی دیدگاه قرآن و روایات در باره اهمیت و جایگاه اقتصاد اسلامی و پیامدهای گوناگون آن و تکلیف امت اسلامی، اهمیت و ضرورت موضوع بیشتر مکتشف می‌گردد.

اهداف تحقیق

- ۱- رشد و توسعه اقتصادی امت اسلامی
 - ۲- بیان دیدگاه‌های سازنده و حکیمانه قرآن و حدیث در مورد اقتصاد.
 - ۳- اهمیت اقتصاد از دیدگاه قرآن و احادیث.
 - ۴- آشنایی با انواع اقتصاد اسلامی در قرآن و احادیث.
 - ۵- استقلال اقتصادی و عدم وابستگی اقتصادی به دیگران، در قرآن و روایات.
 - ۶- اصول اقتصادی اسلام در قرآن و روایات.
- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- اهمیت اقتصاد از دیدگاه اسلام چیست؟
- ۲- ابعاد اقتصاد اسلامی و آثار آن چیست؟

۳- اصول اقتصادی اسلام جهت رشد و توسعه

اقتصادی و استقلال اقتصادی کدامند؟

۴- اصول راهبردی و کاربردی حاصل از این موضوع

چیست؟

جامعه آماری تحقیق :

بعضی کتب و مقالات موجود در مورد رشد و توسعه اقتصادی و نظریات بزرگان با توجه به قرآن و احادیث، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

روش پژوهش

اما روش مورد استفاده در این تحقیق، به صورت کلی توصیفی و کتابخانه‌ای می‌باشد. ولی در بعضی مواقع از روش توصیفی شیوه پیمایشی (زمینه‌یابی) استفاده شده است و در مواردی نیز روش توصیفی شیوه علی-مقایسه‌ای به کار رفته است.

موضوع علم اقتصاد اسلامی

موضوع علم اقتصاد عبارت است از مطالعه نحوه استفاده از امکانات و منابع محدود توسط افراد یا گروهها برای تأمین خواسته‌های مختلف. این موضوع هم در یک مقطع زمانی و هم در طی زمان مورد بررسی قرار گیرد؛ (۸) اما تعریفی که امروزه بیشتر از آن استفاده می‌شود عبارت است از مطالعه نحوه انتخاب اشخاص از امکانات محدود خویش برای تأمین خواسته‌های نامحدود و متعدد خود. (۹)

هر دو جنبه اصلی موضوع علم اقتصاد ممکن است از نظر یک مسلمان مورد سؤال قرار گیرد؛ چون بر طبق

است. لیکن امروزه در اسلام این مفهوم با واژه اقتصاد استعمال می شود (در کشورهای عربی) معنای دوم اقتصاد مأخوذ از عربی است به معنای اعتدال و میانه روی در دخل و صرف و توزیع پول و مال مطابق دستورات و احکام اسلام، که البته غریبها و حتی شریقیها این را به عنوان هدف تلقی نکرده و حتی نمی توانند در فکر و اندیشه خود این معنا را بپذیرند؛ زیرا جهان بینی آنها با اسلام مغایر است، لذا می گویند حداکثر ارضا و استفاده، و اسلام می گوید در حد اعتدال و بیش از آن اسراف و حرام است.

بنابراین نگرش اسلام و کفر به اقتصاد مبتنی بر جهان بینی است، کفار چون به جهان دیگر معتقد نیستند می خواهند بهشت را در همین دنیا برای خود بسازند و آن را هم در زیاده روی و لذت بردن می دانند. اما اسلام می گوید خلقت انسان به گونه ای است که برای بقای حیات باید غرایز و تمایلاتش تعدیل شود، افراط در غرایز به استغنا و بعد به طغیان می رسد و تفریط در آن به فقر و فقرهم چه بسا انسان را به کفر بکشاند؛ اسلام از امتش به عنوان امت میانه رو یاد می کند و آنگاه او را به طرف کمال که همان قرب الی... است با برنامه ریزی احسن اقتصادی رهنمون می شود.

پس اقتصاد اسلامی با تعالیم قرآنی و سیره نبوی و معصومین سعی در استفاده از امکانات موجود جهت رسیدن به خواستههای متعدد و نامحدود در قالب این تشریح اسلامی قدم بپا می دارد و بین خواستههای مادی و معنوی انسان تعادل ایجاد می کند؛ چونکه در اقتصاد

تعالیم و آن نعمت هایی که خداوند برای انسان آفریده است نامحدود است و آیات ی مانند ۲۰ سوره لقمان و ۱۳ سوره جاثیه (۱۰) به انسان اعلام می کند که آنچه در آسمانها و زمین است برای او مسخر شده است؛ بنابراین محدودیتی از این طیف برای مسلمان وجود ندارد. اگر کمبودی در عرصه نعمات خدادادی به چشم می خورد به خاطر وجود مرزها و ممنوعیت مهاجرت بین کشورها در وهله اول می باشد و در وهله دوم به خاطر غصب و تجاوز به این نعمت هاست که توسط متجاوزان و ستمگران و اتلاف برخی دیگر از نعمات الهی توسط ایشان بروز می نماید.

اما باید توجه داشت که مفهوم محدود بودن با توجه به مدت بهره برداری و انتفاع تعریف می شود و من ظور منابعی است که بالفعل مورد استفاده است نه بالقوه. برای مثال در کشور ایران به برکت لطف الهی معادن بسیاری وجود دارد؛ اما بالفعل و فی الحال مقداری از آن را بهره برداری می کنیم طبعاً در طول مدت امکانات ما و منافع ما در بهره برداری متفاوت خواهد بود. درست است که این کمیابیها و محدودیتها با دخالت استعمارگران و غاصبان حقوق شهرت می گیرد؛ ولی این مورد حتی در زمان پیغمبر اسلام پس از فتح مکه و غزوه تبوک برای مسلمانان محدودیت وجود داشت و اب آشامیدنی در همه جا به اندازه کافی در اختیار نبود. در زمان محاصره در شعب ابی طالب نیز چنین بود.

همانطور که در روایت مشهور از امام رضا (ع) نقل شده: «حسن التقدير في معيشة» (۱۱) از شرایط کمال

یعنی یک نظام عادلانه که در آن انسان ها در هر شرایطی قرار گیرند عدالت در حق آنها به معنی واقعی مرعی باشد. عدل یعنی «اعطای کل ذی فضل فضله» لذا استقلال اقتصادی و فرهنگی نیز به عنوان یکی از مراتب عدل و عدالت اقتصادی اسلامی از آن متبلور می شود که تحقق این آرمان مقدس که آرزوی همه فلاسفه و مصلحان و خیر اندیشان جهان بوده است. به برکت انقلاب اسلامی به دست ما می خواهد جامعه عمل بپوشد و در دهه تعالی و پیشرفت که مقام معظم رهبری آن را نام گذاری کرده اند به دستاوردهای نوینی جهت خود کفایی و عدم وابستگی به کشورهای دیگر حرکت می کنیم.

اسلام مکتب سعادت بخش انسانهاست، طبیعتاً احکام اسلامی از مقوله تکلیف می باشند نه توصیف و در یک کلام: اسلام ایدئولوژی و مکتبی است که هدفش سعادت و کمال انسانها و مسلمانان و جامعه آنهاست و برنامه ها و نظامهایش مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست که روابط انسانی جامعه را در جهت تحقق اهداف و آرمانهای متعالی و تحقق سعادت و کامیابی جاودانه شکل می دهد. بنابراین اقتصاد اسلامی یا نظام اقتصادی اسلام از مقوله توصیف و علم اقتصاد سیاسی نیست؛ بلکه از مقوله تکلیف است و سازمانی متشکل از بایدها و نبایدهاست که بافت اقتصادی کشور و جامعه را بر مبنای عدل و نفی ظلم و تبعیض و استثمار و استعمار و استبداد بر پا می دارد. اگر چه این نظام اقتصادی خواه ناخواه علم اقتصاد سیاسی خود را خواهد داشت؛ ولی آنچه را که اسلام به عنوان یک مکتب الهی عهده دار تبیین آن است همان نظام اقتصادی قوی و متعادل می باشد که روابط



اسلامی عدم این تعادل ارتکاب گناه را منجر می شود و این تعادل است که انسان و جامعه را به تعالی می کشاند و آنها را از وابستگی اقتصادی و فرهنگی به کشورهای دیگر ایمن می سازد و استقلال و خود کفایی را در همه عرصه ها به ارمغان می آورد تا مسلمانان ایرانی با غنایی فرهنگی و اقتصادی سر بلند گام بردارد.

مفهوم و ماهیت اقتصاد اسلامی برای نیل به عدم

وابستگی و رشد و توسعه اقتصادی

اکنون با این پیش فرضها اگر به بررسی ماهیت اقتصاد اسلامی بپردازیم به نحو احسن می توانیم ^۱ معنی واقعی کلمه ی اقتصاد که عبارت از حفظ عدالت در همه مراحل تولید و توزیع و مصرف است را بدانیم و عنوان مقتصد که به معنی میانه روی و حفظ کننده تعادل و توازن در یک مجموعه به هم پیچیده امور معیشت در هر سه مرحله در کار دولت و اقتصاد کلان را به تصویر بکشیم.

قرآن بر همین بنیاد امر به عدل کرده ان... یا مرم بالعدل (۱۲) و در سوره حدید (۱۳) ارسال همه پیغمبران را برای قیام به قسط معرفی می کند. اصولاً نظام اقتصادی اسلام

اقتصادی جامعه بشر را در جهت تحقق آرمانها و اهداف متعالی و سعادت و کمال انسانی شکل دهد.

آنچه سیستم اقتصادی امت اسلام را تشکیل می دهد و از آن به اقتصاد اسلامی تعبیر می کنیم مجموعه بایدها و نبایدهایی است که روابط اقتصادی جامعه را در جهت تحقق آرمانهای متعالی کشور سازمان می بخشد (۱۴) و طبیعتاً این مجموعه، مجموعه ای هدفدار و به هم پیوسته و سازمان یافته خواهد بود و به عبارتی دیگر : فرمی متکامل از یک نظام بنیادین است که اساس حیات اقتصادی انسانها را در جامعه پی می ریزد و شاکله حرکت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی نیز برخاسته از قوانین و دستورات و برنامه ریزیهای تفضیلی از آن مایه می گیرد و در این استخوانبندی اقتصادی نظام حق ملت و تعالی آنها از اساسی ترین ملزومات می باشد.

اصول اقتصادی امت اسلامی برای نیل به عدم

وابستگی و رشد و توسعه اقتصادی

راه رسیدن به اقتصاد اسلامی را اصول مشخص می کند و بر اساس این اصول می توان مقررات و قوانین ویژه ای به وجود آورد. اصول زیر چون به استقصای کامل متکی نیست، می تواند برخی از اصول اقتصاد اسلامی باشد تا نیل به عدم وابستگی اقتصادی را هموار سازد و خود کفایی و اقتدار کشور و مسلمانیان را ترسیم نماید.

۱: لزوم برنامه ریزی اقتصادی: از آنجا که قرآن در مقابل دشمن امر به آماده باش می دهد و می خواهد از هر نیروی دشمن شکنی برای مقابله با خصم استفاده کنیم و این آمادگی لازمه چیزی است که باید از پیش فراهم کرد و

قوه (۱۵) شامل هر گونه نیرویی می شود؛ لذا برنامه ریزیهای اقتصادی برای دشمنی که می خواهد به حصر اقتصادی ما را از پای در آورد امری لازم و ضروری است.

۲: هماهنگی انگیزه های فردی در راه جذب خدمات اجتماعی: از ویژگی های اقتصاد اسلامی که انسانها هیچ وقت در خدمات اجتماعی به حکم وجود انگیزه های فردی مثبتات آخرت و تقرب الهی و امتیازاتی که برای خادمان وجود دارد، دچار ضعف و نقص نمی شوند در تحریک انگیزه های فردی در قرآن خداوند از مردم وام خواهی کرده است و می فرماید: مَنْ ذَالَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (۱۶)

۳: رشد و توسعه اقتصادی در پرتو احیاء ارزشه ای الهی: با این منطق ارزشهای دینی مانند صدقه، انفاق، زکات و خمس عامل مولد و رشد در جامعه است و ربا و دیگر ضد ارزشها به عنوان عقب ماندگی و رخوت اقتصادی راباعت می شود. يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ (۱۷)

۴: انسان سازنده تاریخ است نه عامل تولید : إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۱۸) تا قومی خود را عوض نکند، خدا سرنوشت آنها را عوض نخواهد کرد؛ بنابراین عوامل تولید مانند دیگر تحولات معلول تحول انسانها می باشد.

۵: در منابع تولید، کمیابی و محدودیتی نیست : از آن رو که ما هنوز به همه منابع تولید دست نیافته ایم و به حمد الله به کمال بهره برداری از آن و شیوه های برتر آن دست می یازیم باید تلاش خود را در جهت توسعه و خود

۹. مصالح جامعه بر مصلحت و منافع شخصی مقدم است.
وَلَا تَتَوَلَّوْا السُّفَهَاءَ اَمْوَالِكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ قِيَامًا وَّ اَرْزُقُوهُمْ
فِيهَا وَاَكْسُوهُمْ. (۲۱)

۱۰. در آمد باطل ممنوع : در آمدهای باطل در جامعه
اسلامی هم برای فرد و هم برای جامعه حرام می باشد. یا
ایها الذین امنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل (۲۲)
۱۱. اقتصاد اسلامی تنها در پرتو تحقق کل نظام اسلامی
میسر است: لزوم تشکیل حکومت اسلامی می باشد که با
تشکیل ارکان نظام اسلام، نظام اقتصاد اسلامی نیز پی
ریزی می شود.

۱۲: انحصار تمرکز ممنوع: کفی لا یكون دولة بین الاغنیاء
منکم (۲۳)

۱۳: ممنوعیت اسراف: کلووا و اشربوا و لاتسرفوا (۲۴)

۱۴: ممنوعیت تبذیر : ان المبدترین كانوا اخوان
الشیاطین (۲۵)

۱۵: نقدینه نباید از روند معاملات خارج شود : و الذین
یکززون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم
بعذاب الیم. (۲۶)

۱۶: نجس یا از ارزش انداختن اشیاء ممنوع : و لاتبخسوا
الناس اشیائهم. (۲۷)

۱۷: قصد در ارزشهای اقتصادی مؤثر : ما علی المحسنین
من سبیل (۲۸) به خاطر صفت احسان و نیکوکاری به
دیگران.

۱۸ : ولایت خلاءهای قانونی و اوضاع فوق العاده را
رهبری می کند: احیاء اصول یاد شده به دست پیغمبر
اکرم (ص) آنچنان تحول شگرف در اقتصاد آن زمان به
وجود آورد که فقر و جنایت را از میان برداشت و اکنون که

کفایی در همه امور به کار بندیم تا پله های ترقی و
پیشرفت در زیر پاهای اقتصاد اسلامی ایران قرار گیرد.

۶. نظام اقتصاد اسلامی در جهت عدالت قرارداد:

وَ اَقِمْوْا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۱۹)

۷. مصالح جامعه بر منافع جامعه مقدم است.

انما المشركون نجس فلا یقربوا المسجد الحرام بعد
عامهم هذا و ان خفتهم علیه فسوف یغنیکم الله من
فضله (۲۰)

۸. رشد اقتصادی منوط به روح خیر خواهی و انفاق

دارد: انفاق همدوش نماز و میوه درخت ایمان است که
رشد اقتصاد اسلامی را هموار می شود. کمک به مظلومان
و ستمدیدگان مسلمان و دستگیری از آنان جزء لاینفک از
اقتصاد اسلامی و اساس تشکیل جمهوری اسلامی ایران
است



دو هدف اول (۱: حاکمیت سیاسی اسلام ۲: تحکیم ارزشهای معنوی، فرهنگی، اخلاقی) اقتصادی نیستند؛ ولی جزء اهداف اقتصاد اسلامی گنجانده شده اند؛ زیرا در احکام اسلامی این اهداف جدا از یکدیگر مطرح نشده اند و جدا کردن آنها ممکن است موجب کم بها دادن به آنها شده و تصور شود که اینها جزء اهداف و وظایف سازمانهای اقتصادی نیستند و از وظایف سایر سازمانهای اجتماعی - سیاسی اسلام می‌باشند. همچنین بسیاری از مسائل ارزشی، اخلاقی و فرهنگی در خلال رفتارهای اقتصادی مد نظر قرار می‌گیرند تا با تحقق اهداف اقتصاد اسلامی به سوی عدم وابستگی و خودکفایی پیش برویم.

۱: حاکمیت سیاسی اسلام:

در اقتصاد اسلامی سعی در حفظ حاکمیت سیاسی اسلام در روابط با بیگانگان و کشورهای دیگر است؛ زیرا در روابط خارجی، مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار به هم پیوسته اند. هم اکنون وابستگی سیاسی و فرهنگی بسیاری از کشورهای جهان سوم در اثر وابستگی اقتصادی آنهاست به این جهت یکی از اهداف اقتصاد اسلامی حفظ حاکمیت سیاسی اسلام است. در روایتی از رسول اکرم (ص) آمده است: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه» (اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد) (۲۹) بنابراین در مناسبات سیاسی نیز باید برتری اسلام و مسلمین مراعات شود. و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه (۳۰) بنابراین مسلمین موظفند در مقابل دیگر کشورها علی الخصوص کفار و استعمارگران از هر جهت

در این دیار با تحویل قدرت در اختیار حاکم اسلامی، ولی فقیه با تحقق اصول فوق می‌تواند جهانی از صفا و توسعه و پیشرفت و خود کفایی را بسط و فضیلت بخشد؛ بنابراین وظیفه مهم و حیاتی همه احاد ملت در ترغیب و تشویق و جدیت و همگامی در کارهای علمی، صنعتی، کشاورزی و تکنولوژی و توجه به بسط اقتصاد اسلامی و عدالت و نشر فرهنگ معنوی اسلامی مد نظر قرار گیرد و در این پیکار مقدس همان قطع وابستگی به کشورهای دیگر را سر لوحه کار خود قرار دهند و در سال جهاد اقتصادی قله های ترقی را درنوردند.

اهداف اقتصادی امت اسلامی برای نیل به عدم

وابستگی و رشد و توسعه اقتصادی

مکتب اقتصاد اسلامی در صدد تأمین اهداف فراوانی

است؛ برخی از این اهداف، فرهنگی و برخی دی گرجتماعی هستند و در این جا به برخی از اهداف که دارای اهمیت بیشتری در رسیدن به خود کفایی و عدم وابستگی اقتصادی و فرهنگی می‌باشد، اشاره می‌شود.

۱: حاکمیت سیاسی اسلام ۲: تحکیم ارزشهای معنوی و فرهنگی و اخلاقی ۳: عدم وابستگی اقتصادی ۴: برپایی عدالت اجتماعی ۵: خودکفایی و اقتدار اقتصادی ۶: توسعه و رشد ۷: رفاه عمومی اهداف فوق همگی در عرض هم نیستند؛ بلکه برخی از آنها با حفظ برخی دیگر هدف قرار می‌گیرند؛ مثلاً چهار هدف آخر به شرطی مطلوبند که لطمه ای به سه هدف اول نزنند همچنین هدفهای پنجم تا هفتم به شرط نرسیدن به هدف چهارم مورد توجه هستند.

دست رفتن این اهداف عالی عدم وابستگی و تولید و توسعه و رفاه به وجود آید و در مقام مقایسه باید گفت حاکمیت اسلام و اصول آن از همه اهداف بالاتر است و جزء اهداف ثابت اسلام می باشد. حتی در اقتصاد که بدون پسوند اسلامی یعنی اقتصاد اسلامی جز رذالت و پستی چیزی نخواهد داشت.

۲: تحکیم ارزشهای معنوی، فرهنگی و اخلاقی

اسلام در رسیدن به همه اهداف اقتصادی اش از قبیل زدودن فقر، ایجاد رفاه، اجرای عدالت، استقلال و آزادی از محدوده ارزشهای معنوی و فرهنگی و اخلاقی خارج نمی شود؛ زیرا تحقق این ارزشها همراه با پیاده شدن اقتصاد اسلامی از اهداف مکتب اسلام است، این اهدافی است که هم افراد باید مراعات کنند و هم دولت باید در تحقق آن بکوشد.

کسی یا جامعه ای حق ندارد از راههای حرام کسب در آمد نماید یا با اکراه طرف مقابل را به معامله ای وادار نماید. خداوند در قرآن می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ** ای کسانی که ایمان آوردید اموالتان را در میان خویش به باطل نخورید؛ مگر اینکه داد و ستدی از روی رضایت شما باشد. (۳۲)

اسلام در معاملات و فعالیتهای اقتصادی نکات اخلاقی فراوانی را مورد سفارش قرار داده که مراعات آنها فضای اقتصادی را بسیار لطیف و پاک قرار خواهد داد، از آن جمله رضایت به سود کم، سهولت در معامله، مراعات تساوی بین مشتریان و پرهیز از دروغ، سوگند، تبلیغ غیر واقعی، آرایش کالا، تقلب، ربا و احتکار

آمادگی مقابله را داشته باشند و برای آن نیروهای لازم فراهم سازند. یکی از نیروهای بسیار مؤثر در جنگهای امروزی جهان نیروی اقتصادی است. مسلمانان باید از نیروی اقتصادی قدرتمندی برخوردار باشند تا دشمنان خدا و خویش را به هراس افکنند.

قرآن می فرماید: **و لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى**

الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا خداوند برای کافرین بر مؤمنین راه

تسلطی قرار نداده است. (۳۱) بنابراین نبایستی کفار بر مسلمین استیلاء پیدا کنند و باید برنامه ریزیهای لازم اقتصادی انجام گیرد تا یکی از زمینه های مهم سلطه سیاسی کفار بر مسلمین نابود شود. جهاد با مال و جان و دفاع از اسلام و مسلمین در مقابل کفر و تجاوز به همین منظور است. اموال بسیاری صرف می شود، امکانات



فراوانی نابود می شود، افراد زیادی به شهادت می رسند یا صدمه می بینند تا کفر حاکم نگردد و مسلمین زیر سلطه و استعمار بیگانگان نروند.

بنابراین رفاه و رشد و توسعه و خود کفایی و تولید

و... باید با رعایت ارزشهای اخلاقی، عدالت اجتماعی و

حاکمیت سیاسی اسلام به وجود آید نه اینکه به قیمت از

باشد؛ اما استقلال اعم از این است: یعنی یک جامعه مستقل اقتصادی ممکن است احتیاج به وارد کردن برخی کالاها داشته باشد؛ اما در تأمین نیاز تکیه به سایر جوامع ندارد و ناگزیر به باج دادن و سر فرود آوردن نیست؛ بلکه در یک رابطه سالم، برخی از محصولات خود را می‌دهد و تولیداتی از دیگران را می‌ستاند. اما یک جامعه خود کفا می‌تواند همه نیازهای خود را تأمین کند.

اگر چه گاهی ترجیح می‌دهد برای بهتر استفاده کردن از امکانات خود و صرفه جویی کردن برخی از کالاها را از خارج وارد کند. همچنین معنای استقلال غیر از قطع روابط اقتصادی با خارج است، ممکن است کشوری با سایر جوامع تجارت بازرگانی داشته باشد بدون اینکه استقلال خود را از دست بدهد.

۴: برپایی عدالت اجتماعی

خداوند در آیات متعددی از قرآن امر به عدل و قصد فرموده است. ان الله يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ (۳۵) و نیز قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ (۳۶) لزوم رعایت عدالت در همه موارد امری روشن است، آنچه نیاز به بحث دارد تعیین عدل و ظلم در موارد است. در این مباحث مواضع مکاتب مختلف اجتماعی مشخص می‌گردد و مقصود هر یک از آنها از عدل و قسط معلوم می‌شود. اسلام نیز که اجرای عدالت به طور کلی و عدالت اجتماعی به طور خاص را هدف قرار داده است، بینش خود در مورد عدالت را به صورت روشن بیان نموده و راههای تحقق آن را نشان داده است.

عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی از نظر اسلام با تأمین زندگی افراد جامعه و جلوگیری از انباشت ثروت شدن فوق

و.. (۳۳) اسلام در حالی که برخی از اهداف اقتصادی خود را مانند تعدیل ثروت با دریافت اموالی از مردم تحقق می‌بخشد، این کار را عبادت و رشد یافتن معنوی و اخلاقی و فرهنگی آنان انجام می‌دهد، پرداخت زکات و خمس عبادت است. (۳۴)

نکات اخلاقی در رفتارهای اقتصادی اسلام به قدری گسترده است که جای مهمی در تحلیل های اقتصادی خواهد داشت. در حالیکه در مکاتب اقتصاد دی دیگران (بیگانگان) ارزشهای اخلاقی جدا و بیگانه از مسائل اقتصادی مطرح می‌شوند؛ ولی در اسلام این ارزشها جزئی از رفتارهای اقتصادی افراد و جامعه را شکل می‌دهند که می‌توان در برنامه‌ریزی های اقتصادی کلان از این ابزار در کنار ابزارهای علمی دیگر و با کارآرایی بیشتر نیز استفاده کرد.

۳: عدم وابستگی اقتصادی:

استقلال یا عدم وابستگی به طور کلی آن است که جامعه‌ای روی پای خود بایستد و به دیگران اتکاء نداشته باشد و وابستگی آن است که فرد یا جامعه تحت قیومیت و یا استعمار و استثمار دیگران باشد و بر آنها تکیه کند. گیاهانی مانند مو وابسته اند و درختانی مانند نخل و سرو مستقل. استقلال اقتصادی آن است که یک جامعه در تأمین منافع اقتصادی خود به جوامع دیگر متکی نباشد. زمام امور اقتصادی آن در دست دیگران نباشد. سرمایه، کارشناس و امکانات سایر جوامع اقتصاد آن را به حرکت در نیاورده باشد. معنای استقلال غیر از خود کفایی است، خود کفایی یعنی یک جامعه همه نیازمندیهای خود را تأمین کند و نیازی به وارد کردن کالا از خارج نداشته

شگفتی و داشته است، خدا آنان را قوی کرده تا به وسیله آنها کافران را به خشم آورد. (۳۷)

ابتدای این آیه از پیغمبر (ص) و مسلمین سخن می - گوید: آنان را این گونه توصیف می کند که در مقابل کفار شدید و سختگیر و در میان خود مهربان، اهل عبادت و طالب خوشنودی خدا هستند و چهره های آنان دارای آثار بندگی خداست و این نشان آنان در تورات است و در انجیل آنان به گیاهی که شاخ و بال دارد تشبیه شده اند، همان طور که گیاه به تدریج رشد می یابد، جامعه مسلمین نیز چنین است و همان طور که گیاه در ابتدا دستخوش بادهای و طوفانها قرار گرفته و خم و راست می - شود، جامعه نوپای مؤمنان نیز در ابتدا دستخوش حوادثی می شود؛ اما به تدریج شاخ و بالهای آن در تقویت او مؤثر واقع می شود؛ تا آنکه درشت و قوی می شود و بر ساقه خود تکیه می کند. این جامعه آنقدر قدرتمند می شود که بنیانگذار خود را به شگفتی می افکند.

خداوند آنان را این گونه قوت بخشیده تا به وسیله آنان کفار را به خشم افکند. مفاد این آیه از یک طرف می تواند دال بر نظام انقلاب اسلامی ما باشد که در طی سه دهه توانست به کشوری قدرتمند و هسته ای و تأثیر گذار تبدیل شود و در این باب خشم کفار و استعمارگران و گروه ۵ + ۱ نیز از موارد خشم آنهاست و از طرفی دیگر این آیه قدرت یافتن مسلمین و رسیدن به شکوه و عظمت است که دشمنان اسلام تاب تحمل آن را ندارند؛ طبعاً این اقتدار از هر جهت در کشور اسلامی ایران نمایان است. هم اقتدار سیاسی، هم نظامی و هم اقتدار اقتصادی و توانمندی فرهنگی. اگر جامعه اسلامی ایران

العاده ثروت در دست اغنیاء و دفاع از حق ملت در مقابل کشورهای ابر قدرت و استعمارگر تحقق می یابد. در سال ۸۹ هدفمند کردن یارانه ها که توسط دولت دهم به اجرا در آمد و ناعدالتی ۵۰ ساله را ریشه کن کرد. در رسیدن به این عدالت اقتصادی اسلامی بوده و حرکت های رو به جلو و فزاینده ای را در این زمینه مشاهده خواهیم کرد.

۵: خود کفایی و اقتدار اقتصادی:

چنانچه گفته شد منظور از خودکفایی این است که جامعه بتواند نیازمندیهای خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد؛ البته ممکن است ترجیح دهد بعضی از نیازهای خود را از خارج تأمین کند. اما این وارد کردن به این جهت است که هزینه تهیه آن در داخل بیشتر می شود. و با وارد کردن آنها این جامعه می تواند امکانات خود را در جای دیگر به کار گیرد؛ در این صورت با خود کفایی سازگار نیست؛ زیرا جامعه قدرت لازم برای تولید کالا را دارد. در این تعریف بیان شده که جامعه توانایی تأمین نیازمندیهای خود را در سطح عالی رفاه داشته باشد. در این صورت خود کفاست؛ زیرا ممکن است کشوری به تولیدات داخلی اکتفا کند و لی وضعیت فقیرانه ای داشته باشد. در این حال کشور خود کفا نمی باشد؛ در خود کفایی توانمندی و اقتدار نهفته است و آن جامعه روی پای خود ایستاده و این ایستادگی توأم با نشاط و حیات ممکن است. خداوند در قرآن درباره مؤمنین به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: مانند گیاهی است که شاخ و بال بر آورده و این شاخه ها او را تقویت کرده و در نتیجه آن گیاه درشت شده تا آن که بر ساقه استوار گردیده به آن گونه که کشاورزان را به

خود کفا نباشد و برای نیازهای اقتصادی خود چشم به دروازه‌ها بدوزد یا به کارشناسان بیگانه نیازمند باشد، یا دارای اقتصاد فقیرانه‌ای باشد نه تنها خشم کافران را بر نمی‌انگیزد؛ بلکه آمریکا و هم‌پیمانانش را خرسند ساخته و جمهوری اسلامی را تحقیر می‌نماید.

۶. توسعه و رشد:

یکی از اهداف اقتصادی امت اسلامی ایجاد و توسعه و رشد است، این اهداف را در راهنماییهای اسلام و عمل رهبران بزرگ آنها مشاهده می‌کنیم، ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۶-۱: اسلام بر بالا رفتن معلومات و افزایش اطلاعات

مسلمین سفارش اکید دارد تا آنجا که از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است: اطلبو العلم من المهد الی اللحد و یا آمده

است: اطلبو العلم و لو بالصین. (۳۸) به این معنی که

دوری راه و رنج سفر برای کسب دانش باید ناچیز شمرده شود و همچنین آمده است: اطلبو العلم و لو بخوض اللجج

و شقّ المهج (۳۹) که مفاد آن این است که هر چه طلب

علم دشواری به همراه داشته باشد اگر چه در حد فرو

رفتن در گردابها و ریختن خون قلبها باید بر خویش

هموار کرد و هیچ مشکلی نباید مانع ازدیاد دانش مسلمین

شود. این‌ها و صد آیه و روایت دیگر در مورد ارزش علم

به روشنی توجه اسلام را به یکی از پایه‌های توسعه را

نشان می‌دهد. به علاوه در جنگ (اسیران با سواد به جای

فدیه به مسلمین علم بیاموزند) (۴۰) مضافاً تاریخ حاکی از

آن است که مسلمین با ادامه راه آنچنان در آموزش علوم

و فنون شتاب گرفتند که در طی دو قرن پناهگاه دانش

پژوهان غرب گشتند. (۴۱)

۶-۲: تغییر وضعیت اقتصادی جزیره العرب از بازرگانی

صرف به افزایش کشاورزی تا آنجا که مدینه مرکز مهم

تولید کشاورزی شد. چنانچه از امیرالمؤمنین (ع) نقل

شده: من وجد ماء و تراباً ثم افتقر فابعده ا .. هر که آب و

خاکی بیابد، سپس فقیر شود خدا او را از رحمت خود دور

می‌کند. (۴۲)

۶-۳: اسلام بر آباد کردن زمینها و شهرها و تعطیل

نگذاردن اراضی تأکید فراوان دارد که از عوامل مهم

توسعه و رشد تولید می‌شود. هُو انشأکم من الارض و

استعمرکم فیها (۴۳) خدا شما را از زمین ایجاد کرد و به

آبادانی در آن گماشت. در عهدنامه امیر المؤمنین به مالک

اشتر یکی از وظایف استاندار را عمران و آبادانی شهرهای

منطقه قرار می‌دهد (۴۴) و نیز به او می‌فرماید: بایستی

نظرت درباره آباد کردن زمین ساتر با شد از نگاهت

در مورد گرفتن مالیات. (۴۵) رفتار ائمه نیز نشان دهنده

توجه به این مهم است. حضرت علی (ع) در مدینه به

آبادانی زمین می‌پردازد و باغها و نخلستانهای فراوانی

ایجاد کرده و به فقراء می‌دهد. (۴۶) همچنین به این کار

ادامه می‌دهد تا در پایان عمر باقی مانده آنها را وقف یا

صدقه قرار می‌دهد. (۴۷) سایر ائمه نیز به کشاورزی و

توسعه زمین اهمیت فراوانی داده‌اند و اصحاب خود را به

کار و کوشش و توسعه زمین دعوت کرده‌اند. (۴۸)

۶-۴: تأکید بر سرمایه‌گذاری و پرهیز از کنار گذاشتن

پول که هم در توصیه‌های بزرگان و هم در سیاست مالی

اسلام مشاهده می‌شود. در روایات آمده است: مسمع بن

عبد الملک به امام صادق (ع) گفت: من زمینی دارم که از

من می‌خواهند و مایلند به آن. حضرت فرمود: ای ابا سنیار

زندگی بر آید، نه تنها مور نکوهش نبوده؛ بلکه مورد تمجید و ستایش است. به خصوص اگر با این قصد همراه باشد که با استفاده از نعمتهای الهی اسباب شکر بیشتر او را فراهم کند و فرصت بیشتری برای فرا گرفتن معارف الهی و رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا پدید آورد و با توسعه و رشد کشور اسلامی و انکشاف درهای علم و ترقی موجب رغبت غیرمسلمانان به این دین شود. و آنان بادیدن رفاه و امنیت و رشد و آرامش به حال مسلمانان غبطه خورده و موجبات ازدیاد جمعیت مسلمانان و گرویدن آنان به اسلام شود.

استقلال و توسعه اقتصادی و عدم وابستگی امت

اسلامی در آیات و روایات

از اطلاق برخی آیات و لازمه برخی دیگر لزوم استقلال فهمیده می شود که ذیلاً به آنها اشاره می شود: وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً خدانود هرگز برای کافران بر مؤمنین راه تسلطی قرار نداده است. (۵۵) غالب فقها برای نفی هرگونه سلطه کافرین بر مسلمین بر این آیه استناد جسته اند و مفاد آن را حکم دانسته اند نه اخبار؛ یعنی مسلمین باید کاری کنند که کفار بر آنها مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود نامشروع است. از جمله راههای سلطه کفار بر مؤمنین سلطه اقتصادی است، متأسفانه در این روزگار سلطه اقتصادی غرب بر مسلمین تحقق یافته و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمین به مقتضای ایمان است. مطابق این آیه، باید مؤمنین تلاش کنند و خود را از وابستگی اقتصادی رهایی دهند. در آیه دیگری چنین نازل شده

آیا نمیدانی که هر که آب و گلی را بفروشد و مالش را در آب و گل قرار ندهد مالش هدر می رود؟ (۴۹) همچنین در سیاست مالی اسلام، قرار دادن زکات بر نقدین (طلا و نقره) در صورتی که کنار گذاشته شود. (۵۰) و نیز وضع زکات بر شتر و گاوی که در طی سال کار نکرده (۵۱) تشویقی است بر لزوم به کارگیری سرمایه و امکانات کار. ۵-۶: افزایش ثروت و پیدایش رفاه در اثر حاکمیت اسلام:

وضع زندگی مردم در ابتدای ظهور اسلام بسیار فقیرانه بود تا آنجا که برای انجام یک حمله به دشمن ناگزیر می شدند با حداقل خوراک گذران کنند. (۵۲) اما به برکت اسلام و تدابیر رسول اکرم (ص) برای مسلمین رفاه به وجود آمد و وضعیت اقتصادی مسلمین تا آنجا پیش رفت که وقتی سفیان ثوری به لباس فاخر امام صادق (ع) اعتراض می کند و می گوید: نه رسول!.. (ص) و نه علی (ع) و... مانند این لباس نپوشیده اند. امام صادق (ع) می فرماید: رسول!... در زمان تنگی و سختی بود؛ ولی دنیا پس از آن رو به فراوانی نهاد. (۵۳) در زمان هارون الرشید نیز وقتی زکات آفریقا جمع آوری شد برای مصرف آن در آفریقا فقیری نیافتند و ناگزیر آن را به بغداد فرستادند. (۵۴)

۶-۶: رفاه عمومی

رفاه در ضمن توسعه و رشد حاصل می شود. یعنی اگر جامعه ای توسعه و رشد لازم را فراهم کرده باشد به دنبال آن رفاه نیز به وجود می آید. تأمین رفاه و راحتی بشر نظر خدانود بوده است و اگر بشر خود در صدد آسانتر کردن

است. و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه (۵۶) سیاق آیه نشان می‌دهد که در مورد جنگ است.

طبعاً بهترین نیرو برای مقابله با دشمن نیروی نظامی است؛ اما کلمه «من قوه» هر نیرویی را شامل می‌شود. نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به خصوص در جنگهای امروزی که قدرت اقتصادی یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش به‌سزایی دارد. دستور فراهم کردن نیرو برای مقابله با دشمن تا آنجا که دشمن را به هراس افکند ایجاد می‌کند که در هر زمینه و از جمله اقتصادی، مسلمانان مستقل باشند؛ زیرا وابستگی اقتصادی به بیگانگان امکان تهیه قدرت اقتصادی که آنان را به وحشت افکند فراهم نمی‌سازد.

دشمنان و کشورهای بیگانه با حفظ برتری اقتصادی خود اجازه نخواهند داد مسلمانان وابسته از آنان قویتر شوند؛ بنابراین باید استقلال اقتصادی را به دست آورد تا توان لازم برای مقابله با توطئه‌ها و تحریم‌های دشمن فراهم آید. از امام صادق (ع) در باب همین آیه چنین روایتی آمده است: سیاه کردن موی صورت از مصادیق «من قوه» در این آیه است. (۵۷) در روایت دیگری از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: گروهی بر امام حسین (ع) وارد شدند و دیدند آن حضرت به رنگ سیاه خضاب کرده است، از علت آن پرسیدند، فرمود: رسول خدا در یکی از جنگها به مسلمانان دستور داد با رنگ سیاه خضاب کنند تا بدین وسیله بر مشرکان قوت بگیرند و قویتر بنمایند. (۵۸)

آثار شوم وابستگی

در آخر به برخی از نتایج شوم وابستگی اشاره می‌کنیم تا ضمناً دلیلی باشد بر لزوم ایجاد استقلال و رشد و توسعه همه جانبه:

شکوفانیدن استعدادهاست؛ زیرا جامعه مسلط برای تأمین منافع خود نیازهای اقتصادی جامعه وابسته را تأمین می‌کند. طبعاً آنها با فراهم دیدن امکانات زندگی، به فکر تأمین نیازمندیهای خود با فکر و ابتکار خویش نمی‌افتند. و به این ترتیب استعدادها سرکوب می‌شود.

۲: احساس حقارت و خود کم بینی: جامعه وابسته خود را انگل می‌بیند و در خویش توان دفع نیازمندیهای خود را نمی‌یابد و با خود کم بینی که در خود احساس می‌کند نمی‌تواند پیشرفت داشته باشد. و در مقابل دیگران و کشورهای بیگانه را قوی و بی‌کم و کاست می‌پندارند که از عهده این کارها برآمده‌اند و این چنین دلیل تراشی می‌کنند.

۳: خود فراموشی و بی‌هویتی و از دست دادن فرهنگ اسلامی: جامعه مسلط با صدور کالاها و کارشناسهای خود به جامعه وابسته، فرهنگ خود را هم به آن جامعه منتقل می‌کند، به علاوه جامعه وابسته با احساس عدم توان در خویش و احساس امتیاز در جامعه مسلط تلاش می‌کند که در پی آن جامعه حرکت کند. و در فرهنگ زندگی خود را به آن نزدیک کند. و به تدریج با تقلید از لباس، مد، خانه، کالاهای مصرفی، شکل روابط و... به بی‌هویتی کشیده می‌شود.

۴: برده شدن: هنگامی که جامعه‌ای در مقابل جامعه دیگر خود باخته شد و در عین حال نتوانست از خویش رفع نیاز کند، به بردگی کشیده می‌شود، یا بردگی آشکار که در جوامع پیشین بوده و یا به صورت پنهان و با ظاهری فریبنده که قبل از انقلاب جامعه ایران چنین روشی را در پیش گرفته بود؛ ولی بحمدالله... با تالو خورشید انقلاب،

۸- بسترسازی مسائلی مانند زکات، خمس، قرض و انفاق و ... که از موارد قوت اقتصادی جامعه اسلامی می باشند

۹- مد نظر قرار دادن فتاوی و استفتاءات مراجع در مسائل اقتصادی .

۱۰- کاربردی نمودن تعالیم اسلام از جمله آیات و روایات در مورد اقتصاد اسلامی.

۱۱- تخصصی کردن مباحث اقتصاد اسلامی در دانشگاهها.

۱۲- ملموس بودن اثرات اقتصاد اسلامی و توجه دادن مردم و کشورهای دیگر به این موضوع.

۱۳- تبلیغ از رسانه ها جهت اجرای کامل اقتصاد اسلامی در تمامی شئون زندگانی فردی و جمعی.

۱۴- هماهنگی انگیزه های فردی اقتصاد اسلامی در اجرای کامل و کلان اجتماعی .

۱۵- احیای ارزشها الهی و دینی جهت رشد و توسعه اقتصادی.

۱۶- گسترش رفاه اجتماعی و عدالت اجتماعی و در جامعه به عنوان اولین ماحصل اقتصاد اسلامی

نتیجه گیری

معمولاً دولتها در برنامه ریزی اقتصادی جهت نیل به هدفهای مطلوب، یا اولویت را به تحقق عدالت اجتماعی می دهند و یا بوسیله رشد تولید و پیشرفت اقتصادی می خواهند رفاه عمومی بوجود آورند؛ اما از نظر اسلام عالیترین و والاترین مقصودی که تمامی برنامه ها و فعالیتهای اقتصادی جهت نائل شدن به آن باید بسیج

جرقه ای در ملت به و جود آمد و با تلاش و پشتکار توانستند وابستگی ها را خلع ید نموده و با جدیت تمام به سوی افقی روشنتر و توسعه ای ثابت و پایدار قدم بردارند.

راهکارها و پیشنهادات

۱- شناخت اصول و اهداف اقتصادی امت اسلامی.

۲- تبیین تعالیم قرآنی و سیره نبوی و معصومین سعی در استخراج مفاد و اصول اقتصادی امت اسلامی اقدام شود

۳- علما و دانشمندان و فقها احکام اقتصادی اسلام را بصورت بروز شده برای دولتمردان و متخصصان اقتصادی ترسیم نمایند.

۴- از امکانات موجود جهت رسیدن به خواستههای

متعدد در قالب اقتصادی اسلامی که با تشریح ۱ اسلامی قدم بر می دارد.

۵- اقتصاد اسلامی بتواند بین خواستههای مادی و

معنوی انسان تعادل ایجاد کند.

۶- اقتصاد اسلامی باید هم در شئون زندگی تک تک افراد و هم در سطحی کلان در سیاستهای اقتصادی دولت مد نظر قرار گیرد.

۷- اقتصاد اسلامی یا نظام اقتصادی اسلام از مقوله

توصیف و علم اقتصاد سیاسی نیست؛ بلکه از مقوله تکلیف است و سازمانی متشکل از بایدها و نبایدهاست که با ید تمامی ارگانهای اقتصادی کشور و یا سازمانها و شرکتهای مرتبط با موضوع کلیه اهداف و چشم اندازهای خود را بر اساس آن تعریف نمایند.

تبادل است که انسان و جامعه رابه تعالی می کشاند و آنها را از وابستگی اقتصادی و فرهنگی به کشورهای دیگر ایمن می سازد و استقلال و خود کفایی را در همه عرصه ها به ارمغان می آورد تا مسلمانان ایرانی باغناپی فرهنگی و اقتصادی سر بلند گام بردارد.

بنابراین رفاه و رشد و توسعه و خود کفایی و تولید و ... باید با رعایت ارزشهای اخلاقی، عدالت اجتماعی و حاکمیت سیاسی اسلام به وجود آید نه اینکه به قیمت از دست رفتن این اهداف عالی ، عدم وابستگی و تولید و توسعه و رفاه به وجود آید و در مقام مقایسه باید گفت حاکمیت اسلام و اصول آن از همه اهداف بالاتر است و جزء اهداف ثابت اسلام می باشد. حتی در اقتصاد که بدون پسوند اسلامی یعنی اقتصاد اسلامی جز رذالت و پستی چیزی نخواهد داشت. در آخر به جرأت می توان گفت که اقتصاد اسلامی که منطبق بر تعالیم متعالی اسلام، قرآن، سیره نبوی و علوی است می تواند بهترین مسیر رشد اقتصادی را برای کشور ترسیم نماید. تا پله های صعود را در نوردد

شود، عدالت اجتماعی به معنای دقیق اسلامی آن می باشد؛ زیرا از نظر اسلام توزیع مقدم بر تولید می باشد. بنابراین نگرش اسلام و کفر به اقتصاد مبتنی بر جهان بینی است، کفار چون به نشأی دیگر معتقد نیستند می خواهند بهشت را در همین دنیا برای خود بسازند و آن را هم در زیاده روی و لذت بردن می دانند. اما اسلام می گوید خلقت انسان به گونه ای است که برای بقای حیات باید غریز و تمایلاتش تعدیل شود، افراط در غریز به استغنا و بعد به طغیان می رسد و تفریط در آن به فقر و فقر هم چه بسا انسان را به کفر بکشاند؛ اسلام از امتش به عنوان امه وسطا یاد می کند و آنگاه او را به طرف کمال که همان قرب الی ا ... است با برنامه ریزی احسن اقتصادی رهنمون می شود.

پس اقتصاد اسلامی با تعالیم قرآنی و سیره نبوی و معصومین سعی در استفاده از امکانات موجود جهت رسیدن به خواسته های متعدد و نامحدود در قالب این تشریح اسلامی قدم برمی دارد و بین خواسته های مادی و معنوی انسان تبادل ایجاد می کند؛ چونکه در اقتصاد اسلامی عدم این تبادل ارتکاب گناه رامنجر می شود و این

- | | | |
|---------------------------|--------------------------------|-------------------------------------|
| منابع و پی نوشتها | پژوهشهای اسلامی آستان قدس | ۴. همان، ص ۶۶ |
| ۱- دکتر مصطفوی، سید مهدی، | رضوی ۱۳۶۹ مشهد مقدس. | ۵. آیت ا... صدر، محمد باقر، |
| تأثیر علم اقتصادی بر مکتب | ۲. نافلی، غلامرضا، تبیین مکتب | اقتصادنا، انتشارات دارالفکر، الطبعة |
| اقتصادی، انتشارات بنیاد | اقتصاد اسلامی و مرز آن با سایر | الثالثه، بیروت، ۱۹۸۹ میلادی، |
| | مکاتب اقتصادی، ص ۶۰ | ص ۲۹۱ |
| ۳. همان، ص ۶۱ | | ۶. همان، ص ۹۹ |

۷. اراکی، محسن، نقش فقه و فقهاء در اقتصاد اسلامی، ص ۲۱۹
۸. دکتر صدر، سید کاظم، روش تحقیق در اقتصاد اسلامی، ص ۳۹
۹. همان، ص ۳۹
۱۰. سورة لقمان آیه ۲۰ / سورة جائیه آیه ۱۳
- ۱۱- بحار النوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹، حدیث ۳۸.
۱۲. سورة نحل آیه ۹۰
۱۳. سورة حدید آیه ۲۵
۱۴. اراکی محسن، نقش فقه و فقهاء در اقتصاد اسلامی، ص ۲۱۹
۱۵. سورة انفال آیه ۶۰
۱۶. سورة بقره آیه ۲۴۵
۱۷. سورة بقره آیه ۲۷۶
۱۸. سورة رعد آیه ۱۱
۱۹. سورة الرحمن آیه ۹
۲۰. سورة توبه آیه ۲۸
۲۱. سورة نساء آیه ۵
۲۲. سورة نساء آیه ۲۹
۲۳. سورة حشر آیه ۷
۲۴. سورة اعراف آیه ۳۱
۲۵. سورة اسراء آیه ۲۷
۲۶. سورة توبه آیه ۳۴
۲۷. سورة اعراف آیه ۸۵
۲۸. سورة توبه آیه ۹۳
۲۹. تذکره الفقهاء، ج ۱، کتاب جهاد، ص ۶ / حصیح بخاری، ج ۲، ص ۱۱۷
۳۰. سورة انفال آیه ۶۰
۳۱. سورة نساء آیه ۱۴۱
۳۲. سورة نساء آیه ۲۹
۳۳. در این باره کتابهای فقهی در باب تجارت صحبت های زیادی کردند.
۳۴. سورة توبه آیه ۱۵۳
۳۵. سورة نحل آیه ۹۰
۳۶. سورة اعراف آیه ۲۹
۳۷. سورة فتح آیه ۲۹
۳۸. بحار الانوار ج ۱، ص ۱۷۷
۳۹. بحار الانوار ج ۷۸، ص ۲۷۷
۴۰. تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ص ۵۹
۴۱. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۲۷۸
۴۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴، کتاب التجارة، باب ۹ حدیث ۱۳
۴۳. سورة هود آیه ۶۱
۴۴. نهج البلاغه، الرسائل، ص ۴۲۷
۴۵. نهج البلاغه، الرسائل، ص ۴۳۶
۴۶. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲، حدیث ۲
۴۷. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۳۱۲ و ۳۱۳
۴۸. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳، حدیث ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، و ص ۲۵ حدیث ۱ و ۲.
۴۹. وسائل الشیعه ج ۱۲، ص ۴۵، حدیث ۸
۵۰. تحریر الوسیله ج ۱۱، ص ۳۰۹
۵۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۹، ص ۳۰۵
۵۲. تاریخ سیاسی اسلام، ابوالقاسم پاینده، ج ۱، ص ۱۵۳
۵۳. فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۲ حدیث ۸
۵۴. تاریخ سیاسی اسلام، ابوالقاسم پاینده، ج ۲، ص ۲۶۲ تا ۲۴۷
۵۵. سورة نساء آیه ۱۴۱
۵۶. سورة انفال آیه ۶۰
۵۷. تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۵۳، نقل از من لایحضره الفقیه
۵۸. تفسیر المیزان، ذیل آیه انفال ۶۰

تأثیر عملکرد موسسه های مالی و بین المللی بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه

پژوهشگر: زینب مشیری

استان مازندران

مقدمه:

برای آن که تأثیر عملکرد موسسه های مالی و بین المللی را بر اقتصاد کشورهای در حال توسعه بررسی نماییم می بایست به بانک های جهانی ، وظایف آنها و نحوه اعطای وام آنها اشاره داشته باشیم تا به این وسیله بتوانیم اثر آن را بر عملکرد کشورهای در حال توسعه ببینیم.



بانک جهانی متشکل از پنج موسسه مستقل و در عین حال هماهنگ با سیاست های کلی بانک می باشد که عبارتند از:

۱. بانک بین المللی ترمیم و توسعه IBRD ، International Bank for Reconstruction and Development، به کشورهای در حال توسعه خدمات وام دهی و کمک های فنی و تکنیکی خود را ارائه می دهد.

(Multilateral Investment ، MIGA)

(Guarantee Agency)، در سال ۱۹۸۸ میلادی فعالیت خود را آغاز کرد و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای در حال توسعه را در دستور کار خود قرار داده است. بر اساس اساسنامه، این موسسه ریسک‌های غیر اقتصادی (سیاسی) در کشورهای در حال توسعه را پوشش می‌دهد. این ریسکها عبارتند از: ریسک مصادره اموال، ریسک نقض قرارداد، ریسک انتقال یا تبدیل ارز و ریسک جنگ یا شورش‌های داخلی .

در حال حاضر بانک جهانی با نام رسمی گروه بانک جهانی شامل ۵ سازمان زیر مجموعه صدرالذکر است و در مکاتبات رسمی بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و موسسه توسعه بین‌المللی (IDA) در مجموع به عنوان بانک جهانی (The World Bank) شناخته می‌شوند . در شرایط کنونی هدف اصلی بانک جهانی کاهش فقر در جهان است.

اهداف بانک

مطابق ماده اول اساسنامه بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، بانک جهانی ۵ هدف اصلی را دنبال می‌کند .

۱. مساعدت در ترمیم و توسعه کشورهای عضو از طریق سرمایه‌گذاری در امور تولیدی
۲. تشویق سرمایه‌گذاری خارجی از طریق تضمین یا مشارکت در اعطای وامها
۳. تشویق رشد متوازن و بلند مدت تجارت بین‌الملل و حفظ تعادل در موازنه پرداختها از طریق تشویق سرمایه‌گذاری بین‌المللی

۲. موسسه مالی بین‌المللی International**Finance Corporation IFC** در سال ۱۹۵۶

میلادی با هدف حمایت از فعالیت‌های بخش خصوصی در کشورهای عضو تأسیس شد . این موسسه وظایف حمایتی بانک در قبال بخش خصوصی کشورهای عضو را عهده‌دار شده است.

۳. موسسه بین‌المللی توسعه (IDA**International Development Association)**

در سال ۱۹۶۰ میلادی با هدف فعالیت در کشورهای بسیار فقیر آغاز به کار کرد. این موسسه در حال حاضر به کشورهای با درآمد سرانه کمتر از ۸۶۰ دلار وام‌های با بهره کم اعطا می‌کند.

۴. مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات**ICSID (International سرمایه‌گذاری Center for Settlement of Investment Disputes)** وظیفه داوری و حل و فصل اختلافات

فی‌مابین سرمایه‌گذاران خارجی و کشورهای عضو را بر عهده دارد.

۵. موسسه تضمین سرمایه‌گذاری‌های چند جانبه

ایران با توسعه همکاری با این موسسه معتبر بین‌المللی نه تنها از منابع مالی تقریباً ارزان قیمت آن موسسه بهره‌مند می‌گردد بلکه سایر خدماتی که ر ۵ آورد این همکاری‌ها می‌باشد نیز نصیب کشور می‌گردد (همانند خدمات مشاوره‌ای، فنی، انتقال دانش، بورسهای تحصیلی احتمالی و تجربه کارشناسان خبره آن بانک). بانک جهانی حتی در فرآیند تدوین و آماده سازی پروژه های مشترک خود، براساس نظر و مشورت کارشناسان داخلی به تعدیل رهیافت‌های خود نیز می‌پردازد و پروژه‌های مشترک را براساس ویژگیهای خاص هر کشور تدوین و اجرا می‌کند. بانک براین عقیده است که کارآمدترین استراتژی توسعه، استراتژی است که براساس اولویت های توسعه ای کشور تدوین شود. علاوه بر این، بانک جهانی مطابق اساسنامه خود حق ندارد ملاحظات سیاسی را در تصمیم گیری های خود دخالت دهد.

همکاری ایران و بانک جهانی

وزارت امور اقتصادی و دارایی از طریق سازمان سرمایه گذاری و کمکهای اقتصادی و فنی ایران، هماهنگ‌کننده کلیه فعالیتهای گروه بانک جهانی (World Bank Group) در ایران بوده، وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی به عنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران (Governor) در هیات عامل و جناب آقای دکتر خزاعی، معاون محترم وزیر در امور بین الملل نیز به عنوان جانشین نماینده (Alternate Governor)

۴. اعطای وام یا تضمین با اولویت های بالا در کشورهای عضو .
۵. هدایت فعالیتهای با توجه به تاثیر سرمایه گذاری بین‌المللی بر شرایط اقتصادی کشورهای عضو و کمک به ایجاد یک دوره تحول در اقتصاد پس از جنگ کشورها

نوع تسهیلات اعطائی

ارائه وام و یا کمکهای بلاعوض تسهیلات مالی و همچنین با ارائه خدمات مشاوره ای، کمکهای فنی و یا برگزاری سمینارها و کنفرانسها دانش و تجربیات خود را به کشورهای عضو منتقل می‌نماید . بهره گیری از کمکهای فنی و مشاوره ای کارشناسان برجسته بانک، از مزایای مهم همکاری بانک می‌باشد که باعث می‌شود مجریان پروژه ها و کارشناسان داخلی به واسطه این همکاری ها، با آخرین تحولات تکنولوژیکی و اقتصادی جهان آشنا شوند. از سوی دیگر این همکاری‌ها می‌تواند آثار مثبت بین‌المللی نیز به همراه داشته باشد . چرا که عملکرد خوب ایران در همکاری های متقابل با بانک جهانی، باعث افزایش اعتبار، حیثیت و وجهه ایران در آن بانک به عنوان یکی از معتبرترین موسسات مالی بین‌المللی خواهد شد.



مؤسسه توسعه بین المللی

پس از تاسیس بانک بین المللی ترمیم و توسعه بانک جهانی به سال ۱۹۴۴ و دستیابی به اهداف اولیه از تاسیس مؤسسه موصوف که همانا بازسازی و احیای اقتصادی کشورهای اروپایی آسیب دیده از جنگ جهانی



دوم بود، در سال ۱۹۵۰ اعضای بانک جهانی تصمیم گرفتند، جهت سرعت بخشیدن به رشد و توسعه کشورهای فقیر و کم درآمد، کمک های بلاعوض و وام های بدون بهره به کشورهای مذکور اعطا شود. در نهایت مؤسسه توسعه بین المللی **International**

Development Association، در سال ۱۹۶۰،

با اجماع نظر کلیه کشورهای عضو به عنوان بخشی از بانک بین المللی ترمیم و توسعه، ایجاد شد و هر کشور پیش از عضویت در **IDA** می بایست در وهله نخست به عضویت **IBRD** درآمده باشد، زیرا علاوه بر همسان بودن کارمندان، تیم اجرایی و مقر این دو مؤسسه، عملکرد و فعالیت آنها تحت شرایط و استانداردی مشابه، به یک ریس کل مشترک ارایه می گردد. با این حال منابع، میزان و نحوه ارایه تسهیلات اعتباری در **IDA** و

در تصمیم گیری های هیات نمایندگان شرکت می نمایند. هدف اصلی بانک جهانی، کاهش فقر، توسعه پایدار و بهبود استانداردهای زندگی کشورهای عضو می باشد و یکی از پیشروترین موسسات توسعه ای جهان در این زمینه می باشد. این بانک از طریق ارائه وام، خدمات مشاوره ای، کمکهای فنی، انتقال دانش، حمایت از رشد بازارهای سرمایه خصوصی و کمک به توسعه بخش خصوصی، کمک به توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی و تشویق جریان سرمایه گذاری مستقیم به کشورهای در حال توسعه از طریق فراهم نمودن ضمانت برای سرمایه گذاران در خصوص ریسکهای غیر تجاری، سعی دارد در پیشرفت و توسعه کشورهای عضو همکاری نماید.

کمکهای مؤسسه های بین المللی

مؤسسه مالی بین المللی **International Finance Corporation** یکی از اعضای گروه بانک جهانی است که در سال ۱۹۵۶ تاسیس شد. این مؤسسه با ارائه خدمات سرمایه گذاری و مشاوره ای به پروژه های بخش خصوصی که دارای طرح توجیه مناسب هستند باعث رونق بخش خصوصی می شود. توسعه بخش خصوصی در راستای هدف و شعار بانک جهانی در خصوص توسعه و کاهش فقر می باشد به گونه ای که توسعه بخش خصوصی را عاملی مثبت در روند فقرزدایی و رشد اقتصادی دانسته و آن را عامل درون زای توسعه معرفی می کنند.

IBRD در جذب منابع متعلقه و پرداخت به موقع اقساط تامین می شوند. کشورهای اعطاکنده منابع مالی به **IDA** هر سه سال یکبار به منظور بررسی وضعیت موجودی های موسسه موصوف و تامین دوباره منابع صندوق مالی **IDA** از طریق اهدای کمک های دولت کشورهايشان، گردهم می آیند، توضیح اینکه برخی از کشورها نظیر ترکیه و کره جنوبی که هم اکنون جزء گروه اهداکنندگان منابع به **IDA** قلمداد می شوند، در گذشته جزو وام گیرنده از این موسسه، محسوب می شده اند. موسسه **IDA** از سال ۱۹۶۰ تاکنون، ۱۷۰ میلیارد دلار به ۱۰۸ کشور واجد شرایط، کمک مالی پرداخت نموده است. این مساعدت ها به منظور تامین اهداف ذیل به کشورهای عضو و دارای شرایط اهدا می شوند :

- ارتقاء کیفیت تحصیلات پایه در کشورهای کم درآمد و فقیر،
- افزایش و فراگیر نمودن خدمات و امکانات اولیه بهداشت و سلامت در جوامع،
- کاهش آلودگی هوا،
- انجام اصلاحات، بهبود و ارتقاء ساختار اقتصادی کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه فقیر به ویژه در بخش خصوصی
- انتظار می رود، ماحصل این کمک ها، دستیابی کشورهای عضو به توسعه پایدار، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و بهبود شرایط زندگی در آنها، باشد
- اعتبارات اعطائی **IDA**، با حداکثر ده سال دوره تنفس و موعد سررسید ۲۰، ۳۵ یا ۴۰ ساله و فاقد سود متعلقه بوده و تنها سود متعلقه به این اعتبارات هزینه اداری

IBRD با هم متفاوت است. تا آغاز سال ۲۰۰۶ میلادی، ۱۶۵ کشور به عضویت موسسه بین المللی توسعه درآمده اند. پس از لازم الاجرا شدن موافقتنامه موسسه فوق، به سال ۱۹۶۰، با اعطای نخستین وام به کشورهای شیلی، هندوراس، هند و سودان فعالیت آن در سال ۱۹۶۱ میلادی، رسماً آغاز گردید. هم اکنون **IDA** به کشورهایی که بر اساس آخرین ارزیابی این موسسه در پایان سال ۲۰۰۵ از کشورهای فقیر و کم درآمد، عایدی روزانه هر فرد کمتر از ۱/۲۵ دلار بوده و به دلیل ناتوانی ساختار اقتصادی- مالی، توان اخذ وام و تسهیلات اعتباری از **IBRD** را نداشته باشند، تسهیلات مالی بدون بهره یا با نرخ بهره ناچیز و دوره بازگشت طولانی اعطا می کند. در حال حاضر ۸۱ کشور جهان بر اساس تقسیم بندی جغرافیایی بانک جهانی به صورت بخش آفریقایی، شرق قاره آسیا، کشورهای واقع در آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب، کشورهای واقع در قاره اروپا و آسیای مرکزی، کشورهای واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا، با دارا بودن ۲/۵ میلیارد نفر جمعیت (نیمی از جمعیت کشورهای در حال توسعه)، حائز شرایط دریافت کمک مالی موسسه **IDA** می باشند. این در حالی است که قریب به ۱/۵ میلیارد نفر آنها با درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز به حیات خود ادامه می دهند.

منابع مالی **IDA** از طریق دریافت حق عضویت، اعانات و مساعدت های مالی اعضای ثروتمند به عنوان کشورهای عمده تامین کننده منابع **IDA** (پیوست ۲) و نیز تجمیع جریمه دیرکرد کشورهای بهره مند از وام های

۷۵٪ در صد برای خدمات اداری و مدیریتی ارائه شده، در خلال انجام طرح می باشد. تسهیلات IDA بر اساس رده بندی درآمدی کشورهای عضو، میزان موفقیت و رتبه بندی کشورها در مدیریت طرح های مشترک پیشین و تعداد پروژه های اولویت دار کشورها با این موسسه، اعطا می گردند. در حال حاضر و برپایه آمار سال مالی ۲۰۰۶، کشورهای پاکستان با ۱۱۸۳ میلیون دلار، ویتنام با ۷۶۸ میلیون دلار، تانزانیا با ۷۵۱ میلیون دلار، اتیوپی با ۵۰۵ میلیون دلار، هند با ۵۰۰ میلیون دلار، بنگلادش با ۴۶۲ میلیون دلار، نیجریه با ۴۲۲ میلیون دلار، جمهوری دموکراتیک کنگو با ۳۶۵ میلیون دلار، غنا با ۳۵۵ میلیون

دلار و افغانستان با ۲۴۰ میلیون دلار، بالاترین میزان دریافت تسهیلات مالی از این موسسه را به خود اختصاص داده اند. توضیح اینکه کشورهای نظیر هند و مالزی به دلیل فراوانی جمعیت

فقرا حائز شرایط برخورداری از کمک های مالی IDA و به دلیل داشتن ساختار اقتصادی معتبر و کارآمد دارای شرایط برخورداری از کمک های مالی IBRD نیز هستند.

اهداف بانک ترمیم و توسعه

مطابق ماده اول اساسنامه بانک بین المللی ترمیم و

توسعه، بانک جهانی ۵ هدف اصلی را دنبال می کند .

۱- مساعدت در ترمیم و توسعه کشورهای عضو از طریق

سرمایه گذاری در امور تولیدی

۲- تشویق سرمایه گذاری خارجی از طریق تضمین یا

مشارکت در اعطای وامها

۳- تشویق رشد متوازن و بلند مدت تجارت بین الملل و

حفظ تعادل در موازنه پرداختها از طریق تشویق سرمایه

گذاری بین المللی

۴- اعطای وام یا تضمین با اولویت های بالا در کشورهای

عضو

۵- هدایت فعالیتهای با توجه به تاثیر سرمایه گذاری

بین المللی بر شرایط اقتصادی کشورهای عضو و کمک به

ایجاد یک دوره تحول در اقتصاد پس از جنگ کشورها.

نوع تسهیلات اعطائی بانک ترمیم

و توسعه

ارائه وام و یا کمکهای بلاعوض

تسهیلات مالی و همچنین با ارائه

خدمات مشاوره ای، کمکهای فنی و

یا برگزاری سمینارها و کنفرانسها دانش و تجربیات خود

را به کشورهای عضو منتقل می نماید . بهره گیری از

کمکهای فنی و مشاوره ای کارشناسان برجسته بانک، از

مزایای مهم همکاری بانک می باشد که باعث می شود

مجربان پروژه ها و کارشناسان داخلی به واسطه این

همکاریها، با آخرین تحولات تکنولوژیکی و اقتصادی

جهان آشنا شوند. از سوی دیگر این همکاری ها می تواند

آثار مثبت بین المللی نیز به همراه داشته باشد . چرا که

عملکرد خوب ایران در همکاری های متقابل با بانک

جهانی، باعث افزایش اعتبار، حیثیت و وجهه ایران در آن



بانک به عنوان یکی از معتبرترین موسسات مالی بین‌المللی خواهد شد .

ایران با توسعه همکاری با این موسسه معتبر بین‌المللی نه تنها از منابع مالی تقریباً ارزان قیمت آن م‌ؤسسه بهره‌مند می‌گردد بلکه سایر خدماتی که ره آورد این همکاری‌ها می‌باشند نیز نصیب کشور می‌گردد (همانند خدمات مشاوره‌ای، فنی، انتقال دانش، بورسهای تحصیلی احتمالی و تجربه کارشناسان خبره آن بانک). بانک جهانی حتی در فرآیند تدوین و آماده سازی پروژه‌های مشترک خود، براساس نظر و مشورت کارشناسان داخلی به تعدیل رهیافت های خود نیز می

پردازد و پروژه‌های مشترک را براساس ویژگیهای خاص هر کشور تدوین و اجرا می‌کند. بانک براین عقیده است که کارآمدترین استراتژی توسعه، استراتژی است که براساس اولویتهای توسعه‌ای کشور تدوین شود. علاوه بر این، بانک جهانی مطابق اساسنامه خود حق ندارد ملاحظات سیاسی را در تصمیم گیری‌های خود دخالت دهد.

به منظور احراز شرایط دریافت وام از بانک جهانی معمولاً یک تا دو سال زمان برای شناسایی و آماده سازی هر پروژه لازم است و طبق تجربه ای که در مورد وامهای قبلی وجود دارد، اجرای پروژه‌ها بین ۵ تا ۷ سال به طول می‌انجامد.

فهرست منابع

۱. امیر رستمی، حسین، (۱۳۸۴)، عملکرد موسسه‌های مالی، و پولی پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
۲. سایت بانک جهانی.
۳. عزیزی، فاطمه، (۱۳۸۳)، روابط بین کشورها و تاثیر بانک جهانی بر فقر زدایی.
۴. سایت آمار بین‌المللی



ثروتمند تر از بیل گیتس

از بیل گیتس پرسیدند: از تو ثروتمند تر هم هست؟
گفت: بله فقط یک نفر.

پرسیدند: چه کسی؟

بیل گیتس ادامه داد: سالها پیش زمانی که از اداره اخراج شدم و به تازگی اندیشه‌های خود و در حقیقت به طراحی مایکروسافت می‌اندیشیدم، روزی در فرودگاهی در نیویورک بودم که قبل از پرواز چشمم به نشریه‌ها و روزنامه‌ها افتاد. از تیر یک روزنامه خیلی خوشم اومد، دست کردم توی جیبم که روزنامه رو بخرم دیدم که پول خرد ندارم. خواستم منصرف بشم که دیدم یک پسر بچه سیاه پوست روزنامه فروش وقتی این نگاه پر توجه مرا دید گفت این روزنامه مال خودت؛

بخشیدمش؛ بردار برای خودت.

گفتم: آخه من پول خرد ندارم!

گفت: برای خودت! بخشیدمش!

سه ماه بعد بر حسب تصادف باز توی همان فرودگاه و همان سالن پرواز داشتم. دوباره چشمم به یک مجله خورد دست کردم تو جیبم باز دیدم پول خورد ندارم باز همان بچه بهم گفت این مجله رو بردار برای خودت.

گفتم: پسر جون چند وقت پیش من اومدم یه روزنامه بهم بخشیدی تو هر کسی میاد اینجا دچار این مسئله میشه، بهش می‌بخشی؟!
پسره گفت: آره من دلم می‌خواد ببخشم؛ از سود خودم می‌بخشم.

به قدری این جمله پسر و این نگاه پسر تو ذهن من موند که با خودم فکر کردم خدایا این بر مبنای چه احساسی این را می‌گوید؟!
بعد از ۱۹ سال زمانی که به اوج قدرت رسیدم تصمیم گرفتم این فرد رو پیدا کنم تا جبران گذشته رو بکنم گروهی را تشکیل

دادم و گفتم بروند و ببینند در فلان فرودگاه کی روزنامه می‌فروخته ...
یک ماه و نیم تحقیق کردند تا متوجه شدند یک فرد سیاه پوست مسلمان بوده که الان در بان یک سالن تئاتره. خلاصه

دعوتش کردند اداره؛
از او پرسیدم: منو میشناسی؟
گفت: بله! جنابعالی آقای بیل گیتس معروفید که دنیا میشناسدتون.

گفتم: سال‌ها قبل زمانی که تو پسر بچه بودی و روزنامه می‌فروختی دو بار چون پول خرد نداشتم به من روزنامه مجانی دادی، چرا این کار را کردی؟
گفت: طبیعی است، چون این حس و حال خودم بود.

گفتم: حالا می‌دونی چه کارت دارم؟ می‌خواهم اون محبتی که به من کردی را جبران کنم.
جوان پرسید: چطوری؟
گفتم: هر چیزی که بخواهی بهت می‌دهم.

(خود بیل گیتس می‌گوید این جوان وقتی صحبت می‌کرد مرتب می‌خندید)
جوان سیاه پوست گفت: هر چی بخوام بهم میدی؟
گفتم: هر چی که بخواهی!

اون جوان دوباره پرسید: واقعاً هر چی بخوام؟
بیل گیتس گفت: آره هر چی بخواهی بهت میدم، من به ۵۰ کشور آفریقایی وام داده‌ام، به اندازه تمام آن‌ها به تو می‌بخشم.

جوان پرسید: چطوری؟
گفتم: هر چیزی که بخواهی بهت می‌دهم.

(خود بیل گیتس می‌گوید این جوان وقتی صحبت می‌کرد مرتب می‌خندید)
جوان سیاه پوست گفت: هر چی بخوام بهم میدی؟
گفتم: هر چی که بخواهی!

اون جوان دوباره پرسید: واقعاً هر چی بخوام؟
بیل گیتس گفت: آره هر چی بخواهی بهت میدم، من به ۵۰ کشور آفریقایی وام داده‌ام، به اندازه تمام آن‌ها به تو می‌بخشم.

بیل گیتس گفت: آره هر چی بخواهی بهت میدم، من به ۵۰ کشور آفریقایی وام داده‌ام، به اندازه تمام آن‌ها به تو می‌بخشم.

جوان گفت: آقای بیل گیتس نمیتونی جبران کنی!

گفتم: یعنی چی؟ نمی توانم یا نمی خواهم؟

گفت: می خواهی اما نمی تونی جبران کنی

پرسیدم: چرا نمی توانم جبران کنم؟

جوان سیاه پوست گفت: فرق من با تو در اینه که من در اوج نداشتمم به تو بخشیدم ولی تو در اوج داشتنت می خواهی به من ببخشی و این چیزی رو جبران نمی کنه. اصلا جبران نمی کنه. با این کار نمی تونی آروم بشی. تازه لطف شما از سر ما زیاد هم هست!

بیل گیتس می گوید: همواره احساس می کنم ثروتمندتر از من کسی نیست جز این جوان ۳۲ ساله مسلمان سیاه پوست.